

## اوج خودباوری ایرانی

گفت و گویی با تهیه کننده نخستین پروژۀ سینمایی درباره شهید ستاری

### گفتار و نوشتاری از:

رییس ستاد کل نیروهای مسلح،  
فرمانده نیروی هوایی ارتش و  
همرزمان و فرماندهان دوران دفاع مقدس.

\* سندی تازه منتشر شده از  
کارنامه تحصیلی شهید ستاری



# پرتلاش برای گذار از محدودیت‌ها



## \* سردار محمدحسین باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

روزهای پرتلاطم جنگ و محدودیت‌های تجهیزاتی، باعث شده بود راه برای عبور با مشکلات سخت تر شود. در شرایطی که حجم دشمنی‌های غرب و شرق بر میهن اسلامی و انقلاب نوپای آن فزونی یافته بود، عزم و اراده استوار مردان و زنان سترگ این مرز و بوم، راه دشوار و صعب‌العبور شده با سنگ‌اندازی‌های کین‌ورزانه دشمنان را هموار ساخت.

تلاش‌ها برای حل مشکلات عزمی جدی می‌طلبید و این تلاش به مدد فرماندهانی چون شهید منصور ستاری، جانی تازه گرفت.

عملیات مختلف دوران دفاع مقدس و پس از آن، در دورانی که کار بازسازی‌ها آغاز شد، شهید ستاری همواره جزو فرماندهان و خودکفای بود.

عملیات والفجر ۸ به عنوان نگینی درخشان و ماندگار در دوران دفاع مقدس، مشحون و مرهون تلاش‌ها و ابتکارهای شهید منصور ستاری و همسران این فرمانده آسمانی است.

در این عملیات غرور آفرین، طرح‌های خلاقانه راهبردی و تاکتیکی شهید ستاری، که نشأت گرفته از نبوغ ایشان بود، تحولات ماندگاری را رقم زد. تا پیش از این عملیات، حملات دشمن موجب آسب دیدن سامانه‌های پدافندی و از بین رفتن رادارهای ما می‌شد. اما با پیاده سازی طرح چابک‌سازی و «پدافند متحرک» که تا پیش از این

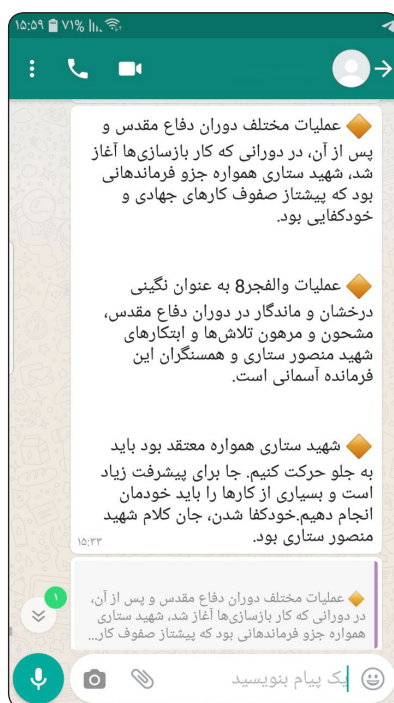
دفاع از آسمان میهن اسلامی را با جدیت تمام دنبال می‌کردند.

شهید ستاری همواره معتقد بود باید به جلو حرکت کنیم. جا برای پیشرفت زیاد است و بسیاری از کارها را باید خودمان انجام دهیم. خودکفا شدن، جان کلام شهید منصور ستاری بود.

تلاش خستگی ناپذیر شهید ستاری و دیگر بزرگان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، نه تنها الگویی ماندگار برای نسل‌های بعدی به شمار می‌رود، بلکه آثار و برکات آن در اقتدار و توانمندی امروز کشور ماندگار و نمایان است.

آوای دل‌نشین او و شهیدانی چون سرتیپ یاسینی و سرتیپ اردستانی در گوشمان طنین‌انداز بود که روان بلندپروازشان برای شتافتن به سوی مهمانی خدا بی قراری آغاز کرد و به سوی حق تعالی بال گشودند.

روح بلندشان در جوار باری تعالی مرزوق و منعم خواهد بود.



وجود نداشت، روند تازه‌ای در دفاع هوایی آغاز شد.

در همان ایام پرتلاطم جنگ و عملیات، شهید ستاری به صورت شبانه‌روزی کار

# مصداق تعهد و توانستن



**\* امیر سرتیپ خلبان عزیز نصیرزاده  
فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران**

راه، باز می شود اگر عزمی برای حرکت وجود داشته باشد. آرامش، اگر تلاشی برای اقتدار وجود داشته باشد. خود کفایی و ساختن شدنی است اگر در جست و جوی توانستن رعب و هراسی در کار نباشد و توانستن را نخست، باور کنیم. ساختن جنگنده تولید داخل شاید برای آن ها که دل در کلام و خواست بیگانه ها دارند در نگاه اول امری بود ناشدنی، به مانند آن ها که انقلابی عظیم و تاریخ ساز ایران اسلامی را دور از ذهن می دیدند، توانمندی ایرانی در بارور کردن نهال خود کفایی و تولید دور از ذهن های کوه تبین شان باشد.

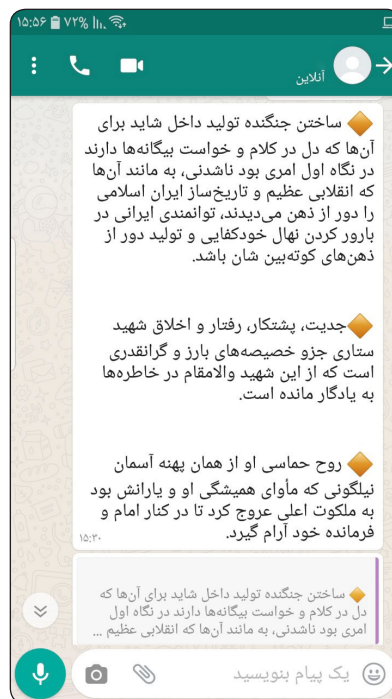
ساخت و تولید جنگنده کوثر که به مدد فداکاری ها و نوآوری جوانان خلاق این کشور به بار نشست، مصداق و تجلی بارزی بود از مجاهدت و تلاش بی شائبه چند نسل از قهرمانان نظامی و مهندسی این مرز و برز پرور و امروز شمره شیرین این نهال به بار نشست در کام ایران سرفراز چشیده شده است.

ساخت و تولید جت جنگنده تمام ایرانی کوثر با همکاری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، اوج هنر نمایی فرزندان رشید ملت ایران در صنعت دفاعی است که با وجود تحریم های دشمنان، ضمن رفع یکی از حیاتی ترین نیازهای هوایی کشور، دستاورد راهبردی جدیدی را در حوزه رزم هوایی به عنوان هدیه به محضر مبارک فرمانده معظم کل قوا، ملت شریف ایران اسلامی و نیروهای مسلح تقدیم کرده است. اما تولید و ساخت این جنگنده، مدیون و مرهون زحمات و تلاش های قهرمانانی چون شهید منصور ستاری است که در اوج محدودیت ها و سختی ها، توانستن را بارگ و ریشه و استخوان باور داشتند. از همین روی است که فرمانده معظم انقلاب

و مجاهدت است و از همان زمان و بعد از آن زمان، در داخل جبهه ها لحظه به لحظه مشغول تحرک و فعالیت جانکاه اما شیرین برای یک انسان متعهد بودند.

دیت، پشتکار، رفتار و اخلاق شهید ستاری جزو خصیصه های بارز و گرانقدری است که از این شهید و الامقام در خاطره ها به یادگار مانده است. باور به توانستن و رویکرد مثبت به انجام کارها، آن هم در دوره ای که محدودیت های یکی از ویژگی های شهید ستاری بود و این رویکرد را در جدیت تمام در کارهایش همراه داشت. شهید ستاری به واقع نماد یک انسان متعهد به حساب می آید و همواره با عملکردش این تعهد را نمایان ساخت. او بر این باور بود که باید بهترین کاری را که می توان انجام دهیم تا به بهترین آن چه که می توانیم، دست یابیم.

روح حماسی او از همان پهنه آسمان نیلگونی که ماوای همیشگی او و یارانش بود به ملکوت اعلی عروج کرد تا در کنار امام و فرمانده خود آرام گیرد. روح تمامی شهدای دفاع مقدس مرز و قوه در گاه حق و گرامی باد.



حضرت آیت الله العظمی از اقدامات ارزشمند ایشان در زمینه طراحی های علمی-نظامی قدردانی کردند. ایشان درباره شهید ستاری فرموده اند: شهید ستاری قهرمان میدان تلاش

«ستاری» در عملیات‌های دفاع مقدس

## فرمانده «منصور»



عملیات، با توجه به گسترده بودن و سنگینی بالای سامانه هاگ، دشمن با شناسایی مناطق استقرار هاگ این سایت‌ها را مورد هدف قرار می‌داد. با وجود محدودیت‌های بسیار زیاد در تأمین این سامانه‌ها، شهید ستاری ابتکاری مطرح کرد مبنی بر این که بخش‌های سنگین و غیر ضروری تر سایت هاگ، جدا شود تا جابه‌جایی به سهولت انجام شود. با این کار و همچنین ایجاد سایت‌های پدافندی فریب دهنده

دشمن، و جابه‌جایی سریع سایت، دشمن در شناسایی و هدف قرار دادن سایت پدافندی سردرگم شده بود. شهید ستاری با توجه به کاستی‌های منطقه ایلام در عملیات کربلای ۱، نبود رادار و عدم پوشش مناسب آسمان، ابتکاری به خرج داد که از ذهن نوآور و خلاق این شهید والا مقام بر می‌آمد و بعدها نیز به عنوان الگویی در حل مشکلات به مدد خلاقیت ماندگار شد.

### نقش شهید ستاری در عملیات کربلای ۱

شهید ستاری به اتفاق دیگر فرماندهان قرارگاه رعد، از نخستین لحظات، وارد سایت رادار شنود «تخجیر» نیروی هوایی در ایلام، شدند و با این استقرار، زمینه را برای اقدامات همه‌جانبه علیه دشمن فراهم شد. سایت تخجیر برای شنود رادار بر عراق ایجاد شده بود.

در جلسه‌ای با حضور ارکان راهبردی نیروی هوایی برگزار شد، شهید ستاری محورهای عملیات و پشتیبانی کارهای هر گروه را با اجماع نظر و جمع بندی ابلاغ کردند.

سایت پدافندی هاگ دارای بخش‌های گوناگونی است که رادار محلی زمینی PAR یکی از همین بخش‌ها است. در عملیات والفجر ۸ نیز این رادار، حتی در سبک سازی و چابک‌سازی‌ها از سامانه هاگ جدا نشده بود. شهید ستاری دستور داد این رادارها، از سامانه هاگ جدا شود و به عنوان یک رادار زمینی منطقه‌ای نقش آفرینی کند.

شهید ستاری به واحد مهندسی رزمی پدافند هوایی ابلاغ کرد که حداقل ۴ نقطه برای قرار گرفتن رادار PAR به صورت انحصاری مکان یابی دقیقی با نظارت خود ایشان انجام شود. رادارهای PAR که پیش از این صرفاً به عنوان بخشی از سامانه هاگ استفاده می‌شد در این نقاط استقرار یافت. با انجام آزمایش‌ها و پرواز بر فراز منطقه، این کار مهندسی عملکرد خود را نشان داد.

این کار برای نخستین بار در طول جنگ و تاریخ فعالیت سایت هاگ انجام شد. با ابتکار شهید ستاری، یک رادار پدافند، به عنوان یک رادار محلی و منطقه‌ای نقش آفرین شد و بخشی مهمی از نیاز منطقه را پوشش داد.

شهید ستاری، خدمات ماندگاری را در طول جنگ ۸ ساله تحمیلی و بعد از آن صورت دادند که بسیار اثرگذار بود. خلاقیت‌ها و ابتکارات شهید منصور ستاری زبانزد همه کسانی است که با وی در ارتباط بودند. اما این ابتکار عمل‌ها چه بود؟

در یک کلام می‌توان گفت: بهره‌برداری عملیاتی کامل از رادار سطح گسترده، آموزش نیروی انسانی در سطوح مختلف مورد نیاز نهجا، ابتکارهای فردی عملیاتی در مناطق گوناگون و بر مبنای اقلیم و نیاز مقابله با دشمن، همچنین ابتکار نصب رادار PAR سامانه پدافند هاگ و استفاده از آن به عنوان رادار مادر، جزو ستون‌های مستحکمی بودند که شهید منصور ستاری و همراهانش در این عملیات، بنا گذاشتند.

### اشغال مهران و دستور امام خمینی (ره) مبنی بر آزادی این شهر

بعد از اشغال مهران توسط رژیم بعث عراق و منافقین، بنا به تأکید و دستور امام خمینی (ره) مبنی بر آزاد سازی مهران، نیروی هوایی هم‌پا و همراه دیگر بخش‌های دفاعی کشور وارد عمل شد. واحدهای مختلف نیروی هوایی از جمله «قرارگاه عملیاتی رعد نهجا» به نقش آفرینی پرداختند.

۹ تیر ماه ۱۳۶۵، سرآغاز عملیات کربلای ۱ بود. نیروها از خط خودی به طرف دشمن حرکت کردند. در همین زمان یگان‌های پدافندی و عملیاتی نیروی هوایی در پایگاه هوایی دزفول و همدان و همچنین در منطقه ایلام مستقر شده بود.

منطقه مهران که عمدتاً کوهستانی است و گرمای هوا و محدودیت‌های مربوط به دسترسی و رفت و آمد، مشکلات زیادی را برای حضور در آن منطقه ایجاد کرده بود. از دیگر مشکلات جدی این منطقه، کامل نبودن میدان تسلط رادارهای نیروی هوایی و اشراف کامل بر آسمان این منطقه بود چرا که با توجه به این که در منطقه ایلام رادار وجود نداشت رادار دهلران هم در آغاز جنگ توسط عراق مورد اصابت دشمن واقع شده بود. همچنین سایت راداری منطقه کردند مشرف بر غرب هم که توانایی دیدن منطقه را داشت، نصب نشده بود. با استفاده از رادار PAR این مشکل تا حد زیادی برطرف شد.

### تجربه‌ها و ابتکار عمل شهید ستاری

تجربه‌های ارزشمند نیروی هوایی و ابتکاری که فرمانده این رو نیرو در عملیات چابک‌سازی و سبک ساختن سامانه راداری هاگ انجام داده بود، به کمک حل مشکل نبود اشراف راداری آمد. از ابتکارات شهید ستاری در عملیات والفجر ۸ سبک‌سازی سامانه‌های پدافند هوایی برای افزایش سرعت استفاده از سامانه و افزایش چالاکی و قابلیت جابجایی سامانه پدافند هوایی بود. این ابتکار منجر به افزایش کارایی و بهره‌وری سامانه‌های پدافند هوایی شد. در این

این نوآوری خلاقانه فرمانده نیروی هوایی نقطه عطفی برای عملیات بعدی و گامی به سوی شکستن مرزها و خلاقیت‌های تازه در اوج محدودیت‌ها بود. به طوری که این طرح در بندر لنگه پیاده‌سازی شد و شرایط آن به خوبی توسط شهید ستاری نظارت شد و به خوبی هم نتیجه داد.

### نقش نیروی هوایی از تش در عملیات مهران

عملیات کربلای ۱ از دو جنبه حائز اهمیت بود نخست این که تأکید امام خمینی (ره) مبنی بر آزادسازی این منطقه از دست منافقین را داشت و همچنین منافقین بر روی اشغال این منطقه مانور تبلیغاتی و رسانه‌ای داشت.

علاوه بر این که پایگاه‌های هوایی دزفول و همدان بر آسمان منطقه و دفاع هوایی تسلط کافی داشتند، هواپیماهای شکاری از این پایگاه‌ها بر می‌خواستند و حملات دشمن را پاسخ می‌گفتند.

تأکید شهید ستاری بر این بود که با توجه به شرایط ویژه آن منطقه، از تدهای اضافی جلوگیری شود. بر همین اساس، شهید ستاری بر استقرار جنگ‌افزارها، از جمله مکان‌یابی و سرعت و کیفیت انجام کار و نیز نصب سامانه‌های راپیر، هاگ و ... نظارتی مستمر داشت.

شهید ستاری بر چند نکته تأکید داشت، نخست این که محل استقرار مقرها به دلیل کوهستانی و صعب‌العبور بودن مسیرها، طوری جایابی و مستقر شود که تردها به کم‌ترین حد ممکن برسد. همچنین با توجه به دید عراقی‌ها بر منطقه، جابه‌جایی‌ها عمدتاً در شب انجام شود.

حمل مجروحین از فرودگاه ایلام توسط هواپیماهای سسی - ۱۳۰ بخشی از وظایف نیروی هوایی در طول دوران این عملیات بود. از آن جایی که به لحاظ سیاسی، امنیتی و نظامی این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار بود، تلاش بسیاری در این عملیات صورت گرفت. در همان سال و مصادف با ولادت حضرت امام (رض) ع، تعدادی از کارکنان نیروی هوایی به محضر امام رسیدند و مورد تفقد ایشان قرار گرفتند.

ابزارهایی بود که جدایی شد و مورد استفاده قرار نمی گرفت. او از آغازین عملیات های کشورمان از جمله عملیات رمضان بر حفظ این تجهیزات تأکید داشت و معتقد بود این قطعات و ابزارها که ممکن است در فرآیند جداسازی و کوران جنگ به دست فراموشی سپرده شود، روزی به کار خواهند آمد. این نگاه که از فرهنگ «قناعت» و خودکفایی ریشه می گرفت، سال های بعد و در شرایطی که برای تأمین کوچک ترین قطعات جنگ افزارها دچار مشکل بود، به یاری کشورمان آمد. شهید ستاری در احداث سایت های راداری و موشکی بر این قناعت تأکید داشت و به دیگر همراهان نیز این موضوع مهم را یادآور می شد. این نوع نگاه به ویژه در پروژه اوج که به موجب آن کشور گام مهمی در خودکفایی برای تولید هواپیما پیمود به خوبی کارآمدی خود را نمایان ساخت.»

### «مرصاد» غرور آفرین

گرماگرم مردادماه ۱۳۶۷ دشمنان کوردل ایران و اسلام، سودای شیطنتی دیگر در سر داشتند. آتش خشم و کینه ای که با مرصاد هوشمندانه و قهرمانانه فرزندان برومند این سرزمین، بی فروغ شد. عراق در این عملیات بالاترین پشتیبانی را از منافقین انجام داد. در طول جنگ هیچ زمان به سایت سوباشی حمله نکرده بود ولی در عملیات مرصاد به دلیل اینکه منافقین به راحتی بتوانند به اهدافشان برسند

بیشترین پشتیبانی هوایی را از آنها انجام داد.

ابتکارهای فرمانده نیروی هوایی و همراهانش در عملیات مرصاد سال ۱۳۶۷ و بمباران بی امان منطقه کردند غرب و اسلام آباد برای نابودی منافقین، دانش و تجربه فنی ها و راداری های سوباشی، کارآمدی خود را نشان می دهد و به خوبی نقش آفرینی می کند.

عملکرد نیروی هوایی در عملیات مرصاد به حدی مقتدرانه بود که یک روز پس از پایان موفقیت آمیز این عملیات و کشته و اسیر شدن تقریباً نیمی از نیروهای منافقین حضرت امام خمینی (ره) با انتشار نامه ای، مجاهدت های فرزند برومندشان شهید منصور ستاری را ارج نهادند:

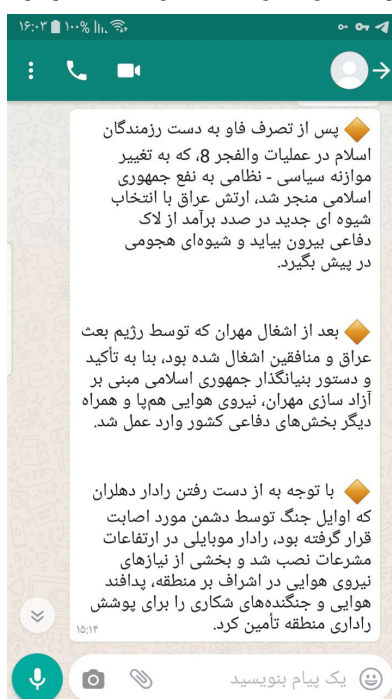
در بخشی از این پیام آمده بود: «اینجانب از زحمات طاقت فرسای شما و تمامی افراد متعهد و دلسوزی که به نحوی از انحاء در آمادگی پروازها دست دارند تشکر می نمایم. شما در طول جنگ تحمیلی، به خصوص در شرایط حساس امروز، از رزمندگان صحنه های نبرد و میهن اسلامی مان با تمام توان دفاع نموده و می نمایم.»

مرصاد آخرین عملیات جنگ بود که در روز پنجم مردادماه ۱۳۶۷ با شکست کامل منافقان و فرار مفتضحانه اندک نیروهای باقی مانده آن به اتمام رسید. خاتمه ای پیروزمندان بر جنگی همه جانبه و نابرابر که از هشت سال پیش از سوی عراق و با حمایت ابرقدرت ها به ایران اسلامی تحمیل شده بود. حلاوت پیروزی در این عملیات، با نام بزرگمردانی چون سپهبد صیاد شیرازی، سردار شهید نورعلی شوشتری... و امیر شهید منصور ستاری در هم آمیخته است.

## عملیات رمضان سرآغاز طرح های خلاقانه

### شهید ستاری در دفاع هوایی

نیروی هوایی در جریان عملیات رمضان، کار دفاع هوایی، پوشش راداری منطقه، انتقال و جایجایی مجروحان و نیرورسانی را به نحو مطلوب انجام داد. باز هم ابتکار بزرگمردانی چون شهید ستاری به یاری کشور آمد. اگر چه برای استفاده از جنگ افزارها، چینش نیروها و پیاده سازی راهبردها استانداردها و حدود مشخصی وجود دارد، اما نگاه شهید ستاری فراتر از این استانداردها را دنبال می کرد و نتیجه آن، شگفتی آفرینی علیرغم همه محدودیت هایی بود که به تکیه آن دشمنان، کشورمان را در مدتی کوتاه شکست خورده می دیدند، اما خیال باطلشان با افاق بلند نگاه فرماندهانی چون ستاری راه به جایی نبرد و ناکام ماند. زمان هر چه پیش تر می گذشت، تحریم های ظالمانه از یک سو، محدودیت قطعات و مشکلات بازسازی



تجهیزات در نیروی هوایی فشار را بر رزمندگان بیشتر می کرد. از سوی دیگر نیز تلاش غرب برای حمایت از رژیم بعث با در اختیار قرار دادن تجهیزات و امکانات فزونی می یافت.

یکی از طرح های خلاقانه شهید ستاری مبنی بر سبک سازی و چابک سازی نیروی هوایی برای توانمندی ایستادگی و مقابله مؤثر با جنگ افزارهای دشمن که روز به روز پیشرفته تر می شد، در عملیات رمضان اجرایی و بخش هایی از آن عملیاتی شد. تجربه شهید ستاری و همراهان او در تحقق چابک سازی تجهیزات و ادوات نیروی هوایی مقدمه و توشه ای شد که در ادامه در عملیات غرور آفرین والفجر ۸ به بلوغ و تکامل رسید.

### قناعت و خودکفایی

یکی از اقداماتی که شهید ستاری در سبک سازی و چابک سازی ها بر آن تأکید داشت، حفظ تجهیزات و

## عملیات رمضان و شهید ستاری

عملیات رمضان در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان شامگاه ۲۳ تیر ۱۳۶۱ بارمز «یاصاحب الزمان ادرکنی» در منطقه عملیاتی شلمچه در شرق بصره آغاز شد. نیروی هوایی ارتش نیز که در کوران عملیات گوناگون ی چون، فتح المبین، آزادسازی خرمشهر، قهرمانانه ایستاده بود در عملیات رمضان نیز نقش آفرین شد. اگر چه به اهداف خود به طور کامل دست نیافت اما دست یافته ها و تجربه های گران بهایی به یادگار گذاشت.

یکی از نقاط عطف این عملیات که نیروی هوایی در آن نقش داشت، اقدام قهرمانانه «شهید عباس دوران» است. شهید سرلشکر خلبان عباس دوران در سی ام تیرماه ۱۳۶۱ در حین بازگشت از عملیات بمباران پالایشگاه «الدوره» در ضلع جنوبی بغداد مورد حمله شدید پدافند هوایی و زمینی دشمن قرار گرفت و زمانی که دید هواپیما در حال سقوط است، تصمیم گرفت تا آنجا که می تواند حداکثر ضربه را به دشمن بزند و طی یک عملیات استشهادهای از کمک خلبان خواست تا هواپیما را ترک کند و خود با هدایت هواپیما به سمت هتل محل برگزاری «اجلاس سران غیر متعهدها» به استقبال شهادت رفت.

### عملکرد نیروی هوایی در این عملیات

بانصب رادار موبایلی در ارتفاعات مشرعات اهواز بخشی از نیازهای نیروی هوایی در اشراف بر منطقه، پدافند هوایی و جنگنده های شکاری برای پوشش راداری منطقه تأمین شد. انتظارها از نیروی هوایی باید به نحوی برآورده می شد و با آزادسازی خرمشهر، حمل مجروحین از فرودگاه ها پشتیبانی های نیرورسانی جزو کارهایی بود که از نیروی هوایی انتظار می رفت. به ویژه در عملیات رمضان و فتح المبین، حجم سنگین مجروحان و نیاز مبرم به انتقال و جایجایی نیرو و مهمات، تلاش نیروی هوایی شدت و فزونی یافته بود و به صورت شبانه روزی در کنار دیگر نیروها، برای دفاع از آسمان کشور و کم رسانی کمر همت بسته بود. راه اندازی رادار بر فراز سد دز یکی از اثرگذارترین اقدامات نیروی هوای برای شناسایی آسمان منطقه و گامی اثرگذار در پوشش هوایی بود. شهید ستاری که از نقطه آغاز تا به سرانجام رسیدن و عملیاتی شدن این رادار، حضوری اثرگذار در منطقه داشت، به دلایل متعددی این موضوع را با تأکید فراوان پیگیری می کرد. مهم ترین لازم نه نصب و راه اندازی این رادار از نگاه شهید ستاری، پوشش مناسب برای جنگنده های کشورمان بود که از پایگاه هوایی دزفول برمی خاستند و از آسمان کشورمان دفاع می کردند.

حساسیت بالای منطقه و مجاورت آن با خاک دشمن موجب می شد هر لحظه این احتمال برود که حمله ای هوایی صورت بگیرد، بنابراین یکی از مناطق مهم و راهبردی در دوران مقدس به حساب می آمد. رادار مشرعات اهواز و رادار دزفول در عملیات رمضان توانست اشراف مناسبی از آسمان منطقه بدهد و علیرغم مشکلات موجود، به دفاع هوایی کشور بیاید. این رادار جزو رادارهایی بود که با تأکید و پیگیری های افرادی چون شهید ستاری به مرحله عملیاتی رسید.

«گفت‌وگو با هم‌مرز شهادت»

## نقش ماندگار در تاریخ نهاجا

### سرنگون شد؟

بله. طرح «زمان‌بندی» و پیاده‌سازی‌اش، ابتکار دیگری بود که به مدد شهید ستاری، موفقیت‌آمیز شد. در زمان مشخص و برای مدتی محدود، رادارها را روشن می‌کردیم، موقعیت هواپیماهای مهاجم را می‌گرفتیم، اطلاعات را به رادار قفل می‌دادیم و آتش می‌گشودیم. دلیل این کار جلوگیری از انهدام رادارها به وسیله موشک‌های رادارزن دشمن بود که خیلی خوب نتیجه داد.

در عملیات «الفجر ۸» از یک روش عمده بهره بردیم که البته خیلی خوب هم نتیجه داد و آن متحرک کردن سامانه‌های پدافندی مان بود. بعد از این که

در جریان عملیات والفجر ۸ توان هوایی عراق به حداکثر خود رسیده بود. بیش‌ترین هواپیماهای به‌روز دنیا را در اختیار داشتند که مجهز به انواع سلاح و تجهیزات آن زمان بود.

در طی زمان طرح ریزی عملیات اولین چیزی که به ذهن شهید ستاری و دیگران رسید این بود که از لحاظ تجهیزاتی، توان مقابله با دشمن را در منطقه عملیات نخواهیم داشت. اما می‌بایست با سازوکاری ویژه، مقابل دشمن ایستادگی کنیم، شهید ستاری، مجدانه و بی‌گیر، این موضوع را به تمامی مسئولان کشور اطلاع داد. بیان و آگاهی شهید ستاری و دلایل مستندی که ارائه دادند موجب شد طرح‌های

آن‌طور که خودش می‌گوید، آن‌روزهای پرنج و آلام جنگ، جایش را به این‌روزهای سخت‌گذر غم فراغ دوستان و هم‌زمان داده است. فرمانده لجستیکی نیروی هوایی آن‌روزها و مشاور فرمانده کل قوا در امور پدافند هوایی این‌روزها، هنوز هم با شنیدن نام منصور، خرسند می‌شود و مشتاقانه، دعوت ما را برای گفت‌وگو درباره بار و همسنگر قدیمی می‌پذیرد.

امیر سر تیپ براتعلی غلامی از فرماندهان و پیشکسوتان نیروی هوایی کشور، در کوران حملات دشمن و کمبود تجهیزات، بار نزدیک شهید منصور ستاری بوده است. اعتقاد دارد با بیان زندگی و بخشی از کارهای خارق‌العاده شهید منصور ستاری، نمی‌توانیم و نمی‌خواهیم از او اسطوره بسازیم؛ شهید ستاری به معنای واقعی کلمه یک اسطوره بود.

### از تخصص خود و نوع همکاری که با شهید ستاری داشته‌اید بفرمایید؟

پدافند هوایی دو شاخه متفاوت از هم دارد؛ یک رادار و دیگری زمین به هوا. من یک افسر زمین به هوا هستم. تخصص من «سامانه هاگ» است. قبل از این که به کشور آمریکا اعزام شوم و دوره تخصصی هاگ را بگذرانم به دیگر تخصص‌ها نیز آشنا بودم. در زمان جنگ تحمیلی هم با این تخصص با دشمن می‌جنگیدم. شهید منصور ستاری افسر زنده و خیره فایتر کنترلر شناخته می‌شد؛ همین ارتباط میان فعالیت و تخصص من با تخصص و پیشینه شهید ستاری، زمینه‌ای شد تا دوست بسیار نزدیک و بسیار صمیمی شوم. می‌توانم بگویم که بیش‌تر زمان جنگ را کمابیش در تعامل و همکاری بودیم.

### شما در مراحل طرح ریزی عملیات والفجر ۸ در کنار شهید ستاری بوده‌اید جزئیات بیشتری از اقدامات شهید ستاری بفرمایید؟

زمانی که عملیات والفجر ۸ شروع شد، مجموعه پدافند هوایی ۲ الی ۳ ماه بر روی طرح ریزی این عملیات کار کرده بود. پیش از والفجر ۸، ۳ عملیات مهم بدر، خیبر، و رمضان را پشت سر گذرانده بودیم؛ پدافند هوایی در این ۳ عملیات توفیق چندانی نیافته بود. به همین جهت عملیات والفجر ۸ برای همه اهمیت داشت. دلهره بسیاری داشتیم که چگونه با این عملیات مواجه شویم و واقعا در ابهام بودیم، نمی‌دانستیم که آیا موفق خواهیم شد یا نه؟! به همین جهت زمانی طولانی، برای طرح ریزی این عملیات وقت صرف شد.



شلیک‌مان را انجام می‌دادیم، جای سایت‌های پدافندی را تغییر می‌دادیم تا شناسایی نشویم. این کار ضمن آن که قدرت مانور مان را بالا برد، به طوری که با سه سایت، کار ده سایت موشکی را انجام می‌دادیم دشمن را به سردرگمی مبتلا کردیم. ۱۰ تا ۱۲ فروند هواپیمای دشمن به آن نقطه هجوم می‌آورد به نقاطی که فکر می‌کرد سامانه هاگ در آنجا مستقر است و وقتی که وارد می‌شد به نوعی وارد تله ما می‌شد. در مواردی که دشمن حملاتی انجام می‌داد همه هواپیماهای دشمن را سرنگون می‌کردیم. این شگرد باعث شد دشمن تا پایان عملیات نتواند به طور اثرگذار مکان استقرار سایت‌های اصلی را پیدا کند. در طول عملیات اگر احساس می‌شد که دشمن نقطه اصلی استقرار را پیدا کرده است با تکیه به طرح سبک‌سازی و چابک‌سازی که باز هم از نوآوری‌های شهید ستاری بود، این قابلیت را داشتیم که به سرعت سایت را جابه‌جا و با تجهیزات فریب جایگزین کنیم.

نوآورانه‌ای که برای رویارویی با دشمن در این عملیات ارائه داده بود، پذیرفته شود.

### ایده فریب دشمن در عملیات والفجر ۸ از کجا آمد و چگونه پیش رفت؟

ایده اصلی فریب دشمن حاصل فکر و خلاقیت شهید ستاری بود. در عملیات والفجر ۸ متوسل به استفاده از طرح‌های نوآورانه‌ای شدیم که بخش عمده این طرح‌ها حاصل، جسارت و ابتکار عمل منصور ستاری بود؛ سایت‌هایی را ساختیم که دشمن تصور کند که ما در آن نقطه مستقر هستیم. خود را آماده کردیم که دشمن بعد از آن که به قصد انهدام این سایت‌ها، وارد منطقه شد، اجازه خروج ندهیم، و این یعنی جنگیدن نوآورانه با دشمن.

### با همین خلاقیت بود که تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن توسط پدافند هوایی

این قرارگاه را از ایفامی کرد. شهید ستاری از همه امور قرارگاه مطلع در تصمیم‌های مهم، اثرگذار بود. ایشان بسیار متواضع بودند و در هر زمینه‌ای که می‌توانست کاری انجام دهد انجام می‌دادند. به عنوان مثال: ایشان می‌نشستند پشت رادار و تا جایی می‌توانستند ما را هدایت می‌کردند.

به نظر من ایشان یک نابغه نظامی بود، من در طول دوران خدمت و چه قبل و چه بعد از آن هیچ کس را هم تراز او ندیدم. در هر زمینه‌ای که فکر می‌کنید نخبه بود. او بسیار نوآور و فوق‌العاده خلاق بود. رد پای حضورش را در بسیاری از پروژه‌های مهم نیروی هوایی از لجستیکی تا عملیاتی می‌توان پیدا کرد. روح بزرگ او در همه بخش‌ها مثلاً در ماجرای اورهال شاسی سی ۱۳۰ می‌توان به خوبی دریافت.

### ماجرای اورهال شاسی‌های هواپیماهای سی ۱۳۰ چه بود؟

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، شاسی‌های هواپیماهای سی ۱۳۰ به عنوان یکی از پرنده‌های قدرتمند و کارآمد ترابری، برای اورهال (تعمیر و راه‌اندازی اساسی) به آمریکا فرستاده می‌شد. با اعمال تحریم‌ها از سوی آمریکا، ۲ کشور هلند و انگلیس این اورهال را برای ما انجام می‌دادند. پس از مدتی این کشورها نیز از انجام این کار خودداری کردند.

شهید ستاری تصمیم گرفت این شاسی‌ها در کشور اورهال شود و این کار در قسمت لجستیک که من فرمانده آن بودم انجام می‌شد. با کتاب‌ها و مدارک راهنمای هواپیما که داشتیم کار اورهال شاسی‌های هواپیماهای سی ۱۳۰ کردیم و اولین شاسی اورهال شده آماده نصب شد. هواپیما را برای تست آماده کردیم، شاسی‌ها در هنگام تست پیچ خورد و انحنای عجیبی برداشت؛ تلفنی ماجرا را برای شهید ستاری بیان کردم. ایشان گفتند که تمام کسانی که در انجام اورهال فعالیت داشتند همان‌جا حضور داشته باشند تا من برسم. من و همه افراد بسیار ناراحت از این شکست بودیم و نگران، از این که نمی‌دانستیم قرار است چه اتفاقی رخ دهد.

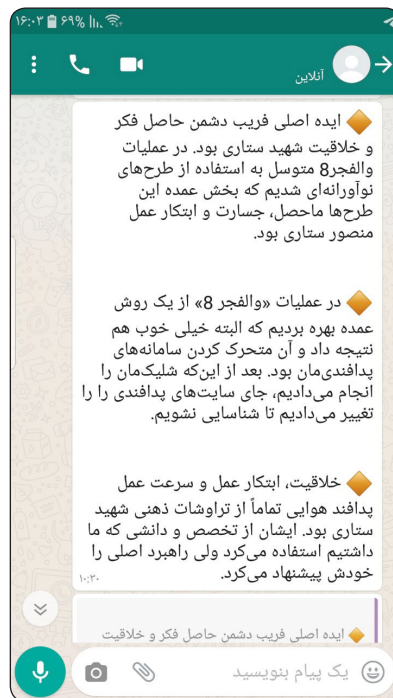
شهید ستاری رسیدند، با بر خورد خوب و خنده گفتند که شما چطور آهنی با این ضخامت را این‌طور منحنی کرده‌اید؟ مگر کسی می‌تواند این شاسی با چنین ضخامتی را خم کند؟ حرف‌های مهربانانه فرمانده، روحیه را دوباره به گروه بازگرداند و خستگی را از تنش‌ها برداشت.

شهید ستاری حتی با خود چند سکه بهار آزادی آورده بودند و تلاش گروه را راجح ندادند. به شوخی گفتند این جایزه شماست که توانسته‌اید آهنی به این بزرگی و ضخامت را بشکنید. بروید و بعدی را اورهال کنید و ایراد کار را پیدا کنید. بعد از این ماجرا، ایراد کار پیدا شد. به طوری که آن زمان تا امروز، این شاسی‌ها در داخل کشور اورهال می‌شود. ایشان می‌توانستند بیایند سر و صدا کنند و با بداخلاقی پاسخ همکاران را بدهند؛ ولی این کار را نکردند؛ شهید ستاری این‌گونه چنین شخصیت والا می‌داشتند.

هواپیمای دشمن را سرنگون کنیم. این به ما ثابت کرد که ما می‌توانیم و باید بدون رادار جست‌وجو کار را ادامه دهیم. همین شد که توانستیم با این روش حدود ۷۰ تا ۸۰ فروند هواپیمای دشمن را در جریان عملیات والفجر ۸ سرنگون کنیم. با نصب رادار در بندر امام و نتیجه بسیار مطلوبی که ارائه داد، توانستیم کنترل دریا و خوزستان را به دست بگیریم. ضمن آن که به دانش و آگاهی شهید ستاری، صحنه گذاشت. با همین روش‌های نوآورانه، در ۴ سال پایان جنگ و با وجود همه محدودیت‌هایی که بی‌امان بیش‌تر می‌شدند، بهره بسیار خوبی از سامانه‌های دفاعی بردیم.

### حضر تعالی در جریان شکل‌گیری و فعالیت‌های قرارگاه رعد همراه شهید ستاری بودید. از این قرارگاه بفرمایید؟

تا قبل از عملیات والفجر ۸ ساختار منسجم و



یکپارچه‌ای در پدافند هوایی وجود نداشت و کارهای پدافندی، بدون وجود قرارگاه انجام می‌شد. به عبارتی، در یک منطقه خاص یک فرماندهی واحد وجود نداشت. پس از عملیات والفجر ۸ قرارگاهی به نام قرارگاه «رعد» تشکیل و فرماندهی این قرارگاه را شهید خلبان عباس بابایی عهده‌دار شد.

این قرارگاه از ۲ بخش اصلی تشکیل شد: آفندی و پدافندی. مسئولیت بخش آفندی به عهده شهید اردستانی واگذار شد و بخش پدافندی را نیز به من واگذار کردند. در حقیقت قرارگاه رعد فرماندهی منطقه‌های عملیاتی پدافندی که با دشمن رو به رو بود را هدایت و فرماندهی می‌کرد.

شهید ستاری در قرارگاه رعد اگر چه سمت و عنوان رسمی نداشت اما عملکردی مهم و سرنوشت‌ساز را به منصفه عمل رساند. او به نوعی نقش قائم مقام

در مدت زمان ۸ ساعت یک سایت هاگ را راه‌اندازی می‌کردیم، این در حالی بود که آمریکایی‌ها ظرف مدت ۶ ماه این کار را انجام می‌دادند. خود ما نیز تا قبل از عملیات والفجر ۸ نمی‌توانستیم زودتر از ۴ تا ۵ روز سایت را آماده عملیات کنیم. این کار با برنامه ریزی و تمرین نیروها پیش از عملیات صورت گرفت.

### خلاقیت‌های شهید ستاری از کجا نشأت می‌گرفت؟

خلاقیت، ابتکار عمل و سرعت عمل پدافند هوایی تماماً از تراوشات ذهنی شهید ستاری بود. ایشان از تخصص و دانشی که ما داشتیم استفاده می‌کرد و لسی را بهر دلیلی را خودش پیشنهاد می‌کرد. و ما اجراکننده این نوآوری‌ها بودیم. با افتخار اعلام می‌کنم که در عملیات والفجر ۸ مجرى خلاقیت‌ها و ایده‌هایی بودیم که هنوز هم آموزنده و اثرمند هستند.

### ماجرای استقرار رادار سامانه هاگ در بندر امام و مخالفت جناب‌عالی با این کار را بفرمایید؟

ما متخصصین سامانه هاگ، معتقد بودیم بدون رادار هاگ نمی‌توانیم کاری را پیش ببریم، چرا که این رادار باید باشد تا تصویر هواپیما بر روی نمایشگر رادار ظاهر شود و بتوانیم عکس‌العمل مناسب را نشان دهیم. در صحبت‌هایی که می‌شد شهید ستاری ته دلش این بود که رادار جست‌وجو بخشی از سامانه پدافندی هاگ است، همراه با این سامانه نباشد و جدا شود. ما متخصصین هاگ اما می‌خواستیم که این رادار جست‌وجو را همراه با سایت هاگ داشته باشیم ولی شهید ستاری موافق نبود. واقعیت این است که خواسته ایشان، علمی و منطقی بود چرا که تشعشعات و ارسال سیگنال این رادار، موقعیت مکانی ما را لو می‌داد اما ما قانع نمی‌شدیم. شهید ستاری اهمیت این موضوع را می‌دانست اما تواضع و خویشتن‌داری او، باعث می‌شد به نگاه و تخصص دیگران احترام بگذارد.

شب عملیات، شهید ستاری را دیدم که به تنهایی مشغول قدم زدن در محوطه سایت بود، با هم شروع به صحبت کردیم؛ شهید ستاری گفت: رادارها را می‌بینی هنوز روشن نشداند!

همه قسمت‌های سایت آماده بود و فقط رادار جست‌وجوی هاگ، تا عملیاتی شدن فاصله داشت. شهید ستاری گفت: اینجا ایستاده‌ام تا ببینم این رادار بالاخره شروع به کار می‌کند یا نه؟

ساعت از ۳ نیمه‌شب گذشته بود و مشغول گفت‌وگو بودیم که مسئول تعمیر رادار رسید و گفت پایه اصلی لامپ رادار بر اثر جا به جایی شکسته است و فعلاً جایگزینی این قطعه نداریم. شهید ستاری که تبسمی بر لب داشت گفت کار خدا بوده است که رادار، عملیاتی نشود! در نهایت رادار جست‌وجو در بندر امام خمینی (ره) و سامانه پدافندی هاگ، بدون رادار، در جای دیگری مستقر شد.

روز بعد یعنی در نخستین روز کاری سایت هاگ بدون رادار جست‌وجو، موفق شدیم ۸ فروند

# اوج خودباوری ایرانی



## چرا شهید ستاری را برای ساخت فیلم انتخاب کردید؟

۳ سال پیش طرح اولیه ساخت این اثر مطرح شد. داستان زندگی بیشتر فرماندهان نظامی به نمایش درآمده است اما شهید ستاری جا مانده این قافله است. معمولاً شخصیت‌هایی که در جنگ شهید شده‌اند، برای نمایش زندگی آنها اهتمام ویژه‌ای وجود دارد، همه شهدای جنگ بزرگوارند و قابل احترام. اما در این میان به برخی افراد که دستاوردهای بیشتری داشته‌اند کمتر پرداخته شده است. شهید ستاری یک نمونه از آنها است. ستاری در روزهای جنگ شهید نشد و چه خوب که این اتفاق رخ نداد. زیرا فرصت‌های بسیاری را ایجاد کرد. فرصت خدمت کردن و ابتکار عمل. شهید ستاری در مقاطع مختلف زندگی (جنگ و غیر جنگ) مدیریت مبتکرانه درستی را انجام دادند که نتیجه آن پیشرفت را برای کشور همراه داشت. وقتی در فضای نیروی هوایی قرار می‌گیرید همه با حسرت از نبود شهید ستاری صحبت می‌کنند پس باعث تعجب است که چرا فعالیت و اثری از او ساخته نشده است.

پس به دلیل پرداخت کمتر به این شهید آن را انتخاب کردیم تا آشنایی با او تنها محدود به نام یک اتوبان در تهران و خاطرات کتاب‌ها نباشد و فعالیت‌ها و اقدامات بزرگی را که انجام داده است

برخی آدم‌ها نوعی اجحاف در حق آنها است. شهید ستاری هم از آن دسته است. شهید ستاری نه تنها زمانی که در نیروی هوایی فعالیت می‌کرد بلکه خیلی پیش از آن دارای شخصیتی خاص و برجسته بود. پس این محدودیت و به نوعی ضعف رسانه‌ای (سینما و سریال) است که مجبور هستیم سراغ یک مقطع از زندگی برویم. زیرا اگر قرار بود اثری برای معرفی شهید ساخته شود قطعاً سریالی در ۹۰ قسمت نیاز بود و محدودیت و ظرفیت کار سینمایی است که باید فیلم در مدت زمان ۹۰ دقیقه بسته شود. همچنین الزامات نمایش یک مقطع از زندگی شهید ستاری نمایانگر برترین مقطع زندگی او نیست.

اما دلیل اینکه این بخش از زندگی شهید انتخاب شد این بود که بسیار به احوالات امروز کشور مرتبط است. امروز در شرایطی قرار داریم که تحریم‌های ظالمانه علیه ایران شدت گرفته و این تحریم‌ها محدودیت‌ها و مشکلاتی را ایجاد کرده است. پس درگیر یک جنگ اقتصادی هستیم. نمایش این مقطع از زندگی شهید تأثیرگذاری بالایی دارد. زیرا شهید ستاری نیز برای نیروی هوایی با وجود مشکلاتی مشابه اقداماتی ارزشمند انجام داد و جنگنده آذرخش، پرستو، درنا و... که موتور محرکه در این نیرو است را ساخت و با این اقدام اعتماد و انقلابی در این حوزه به وجود آمد.

«اوج ۱۱۰» فیلمی سینمایی درباره ساخت هواپیمای جنگنده با تلاش امیرسرلشکر شهید منصور ستاری و همراهان اوست. این فیلم سینمایی قرار است با کارگردانی سیاوش سرمدی، مجری طرح: مهدی مطهر، طراح صحنه: بابک کریمی، بازیگردانی و انتخاب بازیگر: کیومرث مرادی، تدوین: بهرام دهقان، صداپردار: بهمن اردلان، تصویربرداری: مجید گرجیان، مدیر تولید: وحید معدنی، موسیقی: علیرضا کهن دیری، مشاور کارگردان: علیرضا داوودنژاد تولید شود.

سیاوش سرمدی کارگردان این اثر از مدت‌ها قبل طرح اولیه و ایده ساخت چنین اثری را در ذهن می‌پروراند. کار تحقیق و پژوهش را از تقریباً سه سال پیش آغاز کرده بود. ساختار اصلی کار توسط سیاوش شکل گرفت و ما نیز در ادامه مسیر با او و پروژه همراه شدیم. به تدریج عوامل دیگر هم به پروژه پیوستند.

پایگاه یکم شکاری مهرآباد. مکانی که نشان از همت، غرور، اراده و فکر خلاق ایرانی دارد و یادآور می‌شود خواستن توانستن است. این مکان روزگاری نه چندان دور میزبان امیرسرلشکر شهید ستاری و مرحوم مهندس ثنائی بود. آن هم برای اجرای پروژه‌ای که توان نیروی هوایی کشور را تقویت کرد. اوج ۱۱۰.

و امروز گروهی از جوانان هنرمند این سرزمین دور هم جمع شده‌اند برای بازگو کردن آن همت بزرگ. آن هم با ساخت اثری سینمایی اما متفاوت.

گرچه در یکی از روزهای سرد دی ماه قرار داریم اما گفت و گو با مهدی مطهر مجری طرح و تهیه‌کننده فیلم سینمایی اوج ۱۱۰ آنچنان گرم است که این سردی حس نمی‌شود. در زیر گفتگو با او را می‌خوانید.

آیا دلیل خاصی برای انتخاب این بخش از زندگی شهید ستاری و تبدیل آن به فیلم وجود دارد؟

گاهی انتخاب یک بخش برای نمایش زندگی



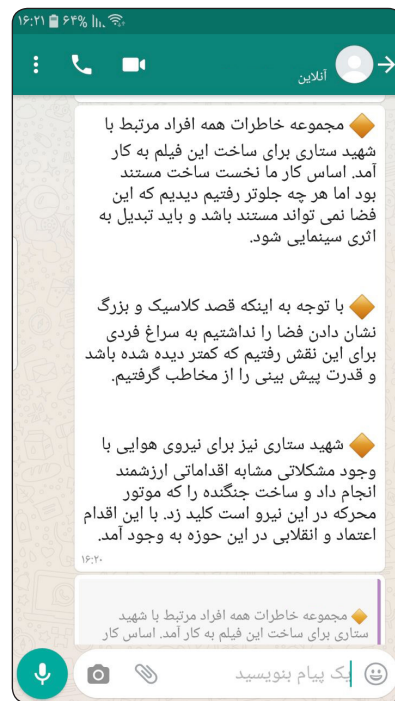
همه تماشا کنند.

باید تبدیل به اثری سینمایی شود.

این پروژه کمک و همکاری کسانی را همراه خود دارد که از تجربه های بسیار خوبی در عرصه مستند برخوردارند. این موضوع باعث شد تا پروژه با دیدی باز به جلو برود.

بنابراین تمام سعی خودمان را برای ادای دین به فضای مستند در بازی گرفتن و حرکت دوربین انجام دادیم. البته این به معنای آرشو سازی نیست. دوربین در این اثر با توجه به حرکات شخصیت ها جلو می رود و در گریپ ها نیز افرافی نشده است.

برای ساخت این اثر ساعت ها ویدئو از شهید و نیروی هوایی و حتی فضای شهر در آن زمان دیده شد تا اثر کاملاً به واقعیت نزدیک باشد. پس در این میان فضای مستند هم بر ایمان مهم بود تا مخاطب فکر



نکنند اینها تخیل ما است.

بنابراین داستان فیلم کاملاً واقعی است، تنها دخل و تصرف ما در بخش ساخت جنگنده ها است که در واقعیت ۴ سال طول کشید اما در فیلم ما این زمان را کوتاه تر کردیم.

**سختی کار در ساخت چنین اثری بیشتر کجا بود؟**

مواجهه با رگان ها و نهاد های مختلف بسیار زیاد بود و شاید در تاریخ سینمای کشور کمتر دیده شده باشد.

شهید ستاری کاری بسیار بزرگ برای کشور انجام داد که اراده جمعی لازمه آن بود، پس نمایش آن نیز نیاز به همراهی همه داشت. از همان تایید اولیه برای

**با توجه به توضیحاتی که ارائه دادید، وجود این نگاه اسطوره ای اطرافیان به شهید ستاری کار را برای شما سخت نمی کرد و اینکه از چه منابعی برای ساخت و تولید استفاده کردید؟**

ما برای ساخت این اثر سینمایی از خاطرات و صحبت های تمام افرادی که با شهید ستاری همراه بودند استفاده کردیم. حتی از خاطرات همزمان افرادی که دیگر در بین مانسندتد مانند مرحوم هاشمی رفسنجانی هم بهره بردیم.

و نکته مهم این بود که تصویری که همه این افراد از شهید ستاری داشتند، کاملاً واقعی بود. تصویری از تلاش، جدیت، مهربانی و حتی عصبانیت شهید با حتی تصویری از زمانی که کار می کردند و لباسشان روغنی می شد. تصویری که بیان کننده ذهنیت شهید بود از اینکه مامی توانیم و ما قادر به تغییر وضعیت موجود هستیم.

شهید ستاری معتقد بود که نباید تحریم ها را عامل عقب ماندگی بدانیم، اثر گذاری عامل تحریم در این زمینه کم است. بی اراده بودن و سستی در انجام کارها عامل اصلی عدم پیشرفت است و همین موضوع و دیدگاهش او را متفاوت از دیگران کرده است.

**کمی بیشتر درباره این تفاوت توضیح می دهید؟**

ضد قهرمان ما در اثر تپ نیست، مستند است. یعنی حتی افرادی که مقابل شهید ستاری قرار می گیرند برای خود قواعدی دارند. آنها شخصیت های بدی نیستند تنها اولویت هاشان با شهید ستاری متفاوت است. شهید ستاری به خود کفایی و ساخت ایران با اراده و توان هوایی جنگنده داخلی اعتقاد داشت. بر این اساس بود که یکی از پیچیده ترین دستاوردهای بشر برای پرواز را در داخل کشور ساخت. آن هم در زمان جنگ و درست وسط بدترین تحریم ها و فشارها. با این اقدام مطرح کردن هر بهانه ای را از دیگران گرفت و نشان داد که می توانیم و می شود.

**اوج ۱۱۰ اثری سینمایی با صحنه های دراماتیک است. این کار را چطور انجام دادید و به قصه رسیدید؟**

مجموعه خاطرات همه افراد مرتبط با شهید ستاری برای ساخت این فیلم به کار آمد. اساس کار ما نخست ساخت مستند بود اما هر چه جلوتر رفتیم دیدیم که این فضا نمی تواند مستند باشد و

فیلم نامه کار سخت آغاز شد. همچنین این موضوع که ارتش با ساخت فیلمی همراهی کند کمتر دیده شده است و همواره با نوعی احتیاط با این موضوع برخورد کرده اند. اما اگر برای همکاری اعلام آمادگی کنند تا آنها با قدرت کنار تیم هستند. برای ساخت این فیلم هم این نکته صدق می کند. داخل سوله ای که فیلمبرداری انجام می شود جنگنده ها مستقر هستند که ایجاد تغییرات در سوله خود موضوعاتی را مطرح کرد و سخت گیری های ارتش از جوه دراماتیک کار کاست اما این باعث کاهش کیفیت کار نشد و فیلمنامه از نگارش اولیه بهتر هم شد. اما ارتش برای ساخت فیلم با تمام توان حمایت کرد و انرژی گذاشت.

البته درباره عوامل این مجموعه هم باید بگویم تیم جوان است. آقای داود نژاد به عنوان مشاور کارگردان ما را همراهی می کنند. کیومرث مرادی که دانش آموخته این عرصه و از وزنه های حوزه تئاتر و دانشگاه است، کار بازیگردانی و انتخاب بازیگر را عهده دار شد.

با توجه به اینکه قصد کلاسیک و بزرگ نشان دادن فضا را داشتیم به سراغ فردی برای این نقش رفتیم که کمتر دیده شده باشد و قدرت پیش بینی را از مخاطب گرفتیم. بعد از نمایش فیلم در جشنواره تعدادی از بازیگران فیلم دیده و مطرح می شوند. جا دارد از مدیرمسئول شهید ستاری که در پژوهش ها، ایده پردازی ها و تمامی مراحل تولید با ما همراه بودند تشکر کنم.

**آیا در ساخت فیلم به کلیشه ها هم نگاه داشتید؟**

در ساخت اثر نکته مهم این بود در طبقه بندی جز آثار دفاع مقدس قرار نگیرد. زیرا تا عنوان و اسم شهید در اثری مطرح می شود مخاطب آن خاص می شود. زیرا مردم با کلیشه مشکل دارند نه شهید. در این اثر قرار نیست اول اطلاعاتی از جنگنده و شهید داده شود و بعد وارد فیلم شویم. «اوج ۱۱۰» قهرمانی دارد که به کمک سربازها، مهندس ها و تمامی بخش های نیرو، قیامی برپا و تحول آفرینی می کند.

پس می خواهیم نشان دهیم که اگر چند ستاری داشته باشیم با همین افراد اطرافشان می توانند صنعت را به سوی پیشرفت حرکت دهند. باعث ناراحتی من به عنوان تهیه کننده است اگر کسی پس از تماشای فیلم در مورد تلاش کردیم با پرداختن به یک برهه از زندگی فردی که خلاقیت، تلاش و خستگی ناپذیری سرلوحه کارهایش بود، دیگر اقلشار جامعه را به اندیشیدن و ضرورت حرکتی دوباره توجه بدهیم.

«گفتاری از هم‌رزم منصور»

# فرماندهای به عظمت تاریخ

## پیگیری جدی امور کارها

به خاطر دارم که فشارهای آمریکا علیه کشورمان بیش تر شده بود. تعدادی سامانه پدافندی اس ۲۰۰ را در انبارها موجود بود، به من اطلاع دادند که فردا صبح باید این سامانه ها منتقل شود. بیش از ۵۰ دستگاه ماشین ترابری را آماده کردیم و این سامانه ها را بارگیری و در مقابل انبارها قرار دادیم. ایشان دستور دادند فردا این کامیون ها حرکت کنند. فردای آن روز جمعه بود و من از ایشان خواستم که فردا قدری دیرتر حرکت کنیم. حدود ساعت ۸ روز جمعه بود که به انبارها رسیدیم. دیدم ایشان در محوطه انبارها در

اشراف داشت و می دانست در آن شرایط، زمان ارزشمندترین دارایی است. ما همان قطعاتی را که متخصصان انتخاب کرده بودند بدون فوت وقت تحویل می دادیم.

## اشراف فرماندهی به تمامی بخش های نیروهای هوایی

یک روز قرار بود ناهار میزبان ایشان باشیم. حوالی ظهر بود که برای بازدید از انبارها در آماد حضور پیدا کردند، ایشان را به ناهار دعوت کردم اما شهید ستاری گفت من در مهر آباد غذا خورده ام، شما برای ناهار بروید. گفتم ما نمی توانیم شما در این جا حضور دارید

امیر سر تیپ محمدعلی شاه حیدری، از فرماندهان دوران شهید ستاری در نیروی هوایی است سر تیپ شاه حیدری، که در آماد و پشتیبانی نیروی هوایی یار و همراه شهید ستاری بوده است خاطر اتی از این فرمانده آسمانی، ویژگی ها و ابتکارهایش دارد.

## آشنایی با شهید منصور ستاری

شروع آشنایی من با شهید ستاری از جزیره کیش آغاز شد. شهید ستاری را در دفتر ایشان ملاقات کردم. ایشان به سر تیپ شهید مصطفی اردستانی که در آن زمان سرگرد بود، گفته بودند که به یک افسر آماد نیاز دارم، شهید اردستانی من را معرفی کرده بود و از من خواستند به تهران بروم. چند روز پیش از عید و واپسین روزهای اسفندماه، شهید اردستانی با من تماس گرفتند که به تهران بروم. من گفتم که الان ایام عید است و برای تهران آمدن مشکل دارم. گفت مشکلات را حل می کنیم و شهید ستاری فکر محل اسکان شما را کرده اند و در تهران جایی برای شما فراهم شده است.

## انجام کارها بدون پیچیدگی های اداری

شهید ستاری روزی من را خواستند و به من گفتند آن چه که در لجستیک نیاز داریم این است که، تأمین قطعات وارد فرآیندهای پیچیده اداری نشود و به سرعت به دست بخش مورد نیاز برسد. ایشان معتقد بودند این آماد و پشتیبانی است که دیگر بخش ها را تحرک می بخشد.

برای همین موضوع، من به عنوان مسئول انبارهای قصر فیروزه از سوی شهید ستاری انتخاب شدم. در قصر فیروزه بیش از صد انبار وجود داشت. شهید ستاری به خوبی از فضای این انبارها آگاهی داشت و به من گفت در این انبارها قطعاتی وجود دارد که قدیمی است یا بسیاری کارکردهای این قطعات را نمی شناسند. شما یک نمایشگاه را در هر انبار ایجاد کنید. در تمامی این انبارها، میزهای بزرگ قرار می دادیم از هر قطعه یک نمونه راروی میز می گذاشتیم. وقتی نمایشگاه آماده می شد به ایشان اطلاع می دادیم که نمایشگاه آماده است. ایشان نیز به تمامی آمادهای تعمیراتی دستور می داد که از این نمایشگاهها بازدید کنند و آن چیزی را که نیاز داشتند، فهرست و به ما اعلام می کردند. من همان روز، قطعات مورد نیازشان را بسته بندی می کردم و تحویل می دادم. ایشان به خوبی و به درستی بر شرایط خاص جنگ



حال قدم زدن است. بالحن مهربان همیشگی اش به من گفت: رسیدید بابا؟ گفتم بله. شهید ستاری گفتند هماهنگ کنید که حرکت کنیم. به راه افتادیم. ایشان جلوتر از ستون حرکت می کرد. دیدیم ایشان در زیر پلی که مسیر عبور این کامیون ها بود ایستاده و بررسی می کند که آیا کامیون ها از زیر این پل با موفقیت عبور کنند.

ایشان تا کوشک نصرت ستون را همراهی کردند و تا مرحله نصب دستگاهها گروه را همراهی می کرد. تمامی مسائل از حرکت کامیون ها تا نصب دقیق دستگاهها را به شخصه پیگیری و بر همه جوانب کار توجه داشت.

## تشکیل قرارگاه آماد رزمی، مهندسی رزمی و ارتباط رزمی

شهید ستاری نامه ای دستور تشکیل قرارگاه آماد رزمی، مهندسی رزمی و ارتباط رزمی را صادر کرده بود. برای آماد رزمی اسم بنده، برای مهندسی رزمی

برای ناهار برویم. شهید ستاری گفتند به شما دستور می دهم که بروید و ناهار تان را بخورید! ما که به خودمان اجازه نمی دادیم در این شرایط شهید ستاری را تنها بگذاریم و برای ناهار برویم در انبارهای پشتی قدم زدیم و دوباره نزد ایشان برگشتیم. هنگام بازگشت، مشاهده کردیم ایشان آستین ها را بالا زده، تمام لباس هایش خاک و غبار سی و چندساله قفسه ها به صورت و لباس شان نشسته بود. شهید ستاری جعبه قطعات را باز می کرد و بعد از بررسی آن ها روی میز می چید.

وقتی با این صحنه مواجه شدم از ایشان پرسیدم تیمسار ما این کار را انجام می دهیم شما چرا این کار را انجام می دهید؟ ایشان گفتند من می خواهم با سختی های کارتان آشنا شوم و انصافا کارتان آسان نیست. این ویژگی شهید ستاری بود که شخصا وارد عمل می شدند و برای انجام کارها خودشان آستین بالا می زدند.

به تهران برگردم و شهید شریفی گفت من برای شما در هواپیما جا ردیف کرده‌ام، اما من که فرزندم در اصفهان بود گفتم که من بچه‌ام را آورده‌ام، فرصت کم بود و گفتم اگر بتوانم، سعی می‌کنم به شما برسم. شهید ستاری هم از من پرسید که مگر با ما نمی‌آیی؟ من گفتم که سعی می‌کنم به شما برسم، از شهید ستاری اجازه خواستم و خدا حافظی کردم. این آخرین دیدار من با شهید ستاری بود و به سمت تهران عزیمت کردند که حادثه سقوط هواپیما اتفاق افتاد.

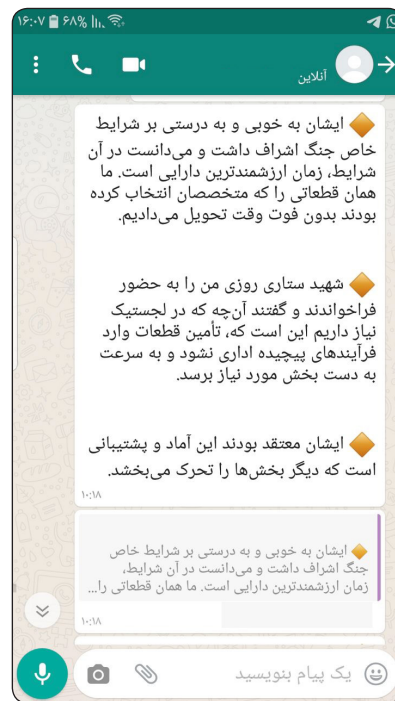
### پایان جنگ و بازگشت عظمت نیروی هوایی ایران

شهید ستاری در عین حال که یک نظامی و در بالاترین سطح نظام یعنی یک فرمانده بود، قلبی رقیق، مهربان و رؤوف داشت، تاجایی که افراد نیرو را با جان صدا می‌کرد، چرا که به نیرو عشق می‌ورزید و از صمیم قلب دوستشان داشت. برای شهید ستاری هیچ کس به خاطر مادیات کار نمی‌کرد. ایشان هم چیزی به کسی نمی‌داد و از این حاشیه‌ها به دور بود. کسانی که با ایشان کار می‌کردند از جان و دل برای کشور و خود ایشان کار می‌کردند. شهید ستاری هم درک دست‌باز و تلاشی افراد داشت و با شناخت و زیرکی و حافظه بسیار قوی که داشت رفتار افراد و تلاش‌هایشان را درک می‌کرد و به قدر تلاش افراد به زحماتشان ارج می‌نهاد. جایگاه و درجه برای او مهم نبود و وقتی می‌دید کسی زحمت می‌کشید بدون توجه به جایگاه رتبه‌ای به افراد عنایت می‌کرد. شهید ستاری بود پس از پایان جنگ عظمت را به نیروی هوایی بازگرداند چرا که در دوران جنگ نیروی هوایی از بسیار ضعیف شده بود. ریزترین قطعه‌های مصرفی از خارج تأمین می‌شد. با دستور شهید ستاری در یک اتاق ۲۰ متری شروع به تعمیرات کردیم. بعد از ۵ ماه، دیگر از فرستادن قطعه به خارج برای تعمیر بی‌نیاز شدیم. جهاد خودکفایی نیروی هوایی بیش از ۳۰ سال پیش با تفکر ایشان به راه افتاد.

طرح‌هایی که شهید ستاری با فکر و پشتکار آغاز کرد بود پر شمار بودند؛ طرح ساخت موشک نازعات جزو طرح‌هایی بود که با ابتکار ایشان در یک کارگاه آغاز شد و بعدها توسط دیگر بخش‌ها از جمله سپاه و با ابتکار بزرگانی چون شهید حسن تهرانی مقدم ادامه یافت.

شهید ستاری در عین حال که یک نظامی و در بالاترین سطح نظام یعنی یک فرمانده بود، قلبی رقیق، مهربان و رؤوف داشت، تاجایی که افراد نیرو را با جان صدا می‌کرد، چرا که به نیرو عشق می‌ورزید و از صمیم قلب دوستشان داشت. شاید به جرات بتوان گفت در طول تاریخ نیروی هوایی شخصی با این سطح از دقت و ریزی بی‌درنگ و منحصر به فرد است.

قطعات اف-۱۴ با حدود ۲۰ انبار داشتیم و کاری که در تهران درباره نامایشگاه قطعات انجام داده بودیم در اصفهان نیز برپا کردیم. شب قبل به سوی اصفهان حرکت کردم و کاری که انجام دادم، این بود که پسر علی اکبر را که سه یا چهار سال پیش تر نداشت همراه خودم بردم. ساعت ۱۱ شب رسیدیم، با خودم گفتم فردا که نمایشگاه و بازدید داریم این بچه را کجاینگه دارم و از کار غیر عادی و اشتباهی که انجام دادم پیشیمان شدم. بچه را همان شب به منزل خواهرم برم و به پایگاه رفتم. همه مسئولان پایگاه حضور یافتیم تا از تیمسار ستاری استقبال کنیم. ساعت ۱۴ هواپیمای ایشان به زمین نشست. مراسم استقبال انجام شد و شهید ستاری من را که دید گفت: بابا شما هم آمدی من عرض کردم بله همان طور که فرموده



بودید. ایشان نخست از گردان تعمیرات پایگاه هوایی اصفهان بازدید کرد و سپس به انبار قطعات رفت. ایشان از ظهر که بازدید را آغاز کرده بودند وقتی که به قسمت پایانی بازدید رسید، هوا کاملاً تاریک شده بود. تمامی شهدای آسمانی همراه شهید ستاری، دور میز و همراه با شهید ستاری نشستند و من برای ایشان یک پرتقال پوست گرفته‌م و به ایشان دادم. وقتی پرتقال را میل کرد گفت خب شامان را هم که خوردیم برویم! تیمسار یاسینی گفت تیمسار میر عشق الله فرمانده پایگاه هوایی اصفهان برای شما شام تدارک دیده‌اند. شهید ستاری گفت با این حال پس ناچاریم که شام میر عشق الله را هم بخوریم! اما با همه این‌ها در فاصله تا شام، از بخش‌های سوخت هم بازدید کردند. وقتی می‌خواستند سوار ماشین شوم، قرار شد با این گروه

نام سرهنگ رشید قشقایی و برای ارتباط رزمی نام سرهنگ حسین فاجانی را نوشته بود. دستور داده بود در کل یگان‌هایی که نیاز هست قرارگاه‌ها آمادی، مهندسی و ارتباطی تشکیل شود. بر اساس این دستور، در تمامی بخش‌ها از بندر عباس، بندر طاهری، بندر لنگه و تمام نقاطی که نیاز بود این قرارگاه‌ها را تشکیل دادیم. ایشان به شخصه از این قرارگاه‌ها بازدید و از انجام کار ابراز رضایت کردند. برای شهید ستاری حائز اهمیت بود که کار، به نحو احسن و بدون کاستی انجام شود.

### بی‌تابی «قوچ» بعد از شهادت فرمانده نیروی هوایی

روزی شهید ستاری با من تماس گرفت و گفت در خانه من یک قوچ است این قوچ را بردار و به خانه‌ات ببر. پرسیدم برای چه. ایشان گفت حسن آقا (داماد شهید) می‌خواهد این قوچ را قربانی کند. من یک نفر را فرستادم تا این قوچ را از خانه ایشان آوردند. این قوچ تا زمان شهادت ایشان در کنار چند راس گوسفند که در اطراف انبارها، برای خوردن علف‌ها و جلوگیری از آتش سوزی علف‌ها قرار گرفت.

روزی که شهید ستاری آسمانی شد، این قوچ حالتی دگرگون پیدا کرد. این قوچ مدام سرش را به زمین می‌زد و بلند می‌شد. باور کردنی نبود. چند روزی این قوچ را با همین شرایط نگه داشتیم و دیدیم که این قوچ با این وضعیت اذیت می‌شود. به ناچار این قوچ را ذبح کردیم.

### شهید ستاری: فرماندهی قاطع

شهید ستاری یک روز برای بازدید و صرف ناهار به دفتر آمد در قصر فیروزه آمدند. هنگامی که شهید ستاری در دفتر حضور داشتند، یکی از فرماندهان تماس گرفتند و پرسیدند تیمسار ستاری آن‌جا حضور دارند. من هم گفتم بله و از من خواستند تلفن را به تیمسار ستاری بدهم. گوشی را به ایشان دادم. صحبتی کردند و مکالمه به پایان رسید. شهید ستاری پرسید می‌دانی ماجرا چه بود. گفتم خیر. شهید ستاری گفت: مدت‌ها بود که می‌خواستند هواپیمایی را منتقل کنند اما بهانه می‌آوردند که قطعه نداریم. صبح که داشتم می‌آدم با مسئول این کار که همین فرد پشت خط بود، گفت و گو و تأکید کردم اگر تا دو ساعت دیگر دستور من مبنی بر جابه‌جایی این هواپیما، اجرا شد که هیچ، در غیر این صورت، کلا هست را بردار و به خانه‌ات برگرد. منظور شهید ستاری این بود که کارهای محوله نباید به تعویق بیفتد.

### یک روز قبل از شهادت

روز پیش از شهادت ایشان، مرحوم سرهنگ اردستانی رییس دفتر دکتر روحانی و هماهنگ کننده پدافند به من گفتند به شاه حیدری بگویید که فردا ساعت یک بعدظهر اصفهان باشد. مادر اصفهان نیز یک آمادگاه

گفت و گویی با یکی از فرماندهان دوران دفاع مقدس

## مهربان اما استوار بر مدار اقتدار بود

ماموریت به تهران آمدم؛ وقتی پس از مدت‌ها یکدیگر را دیدیم، چهره‌ام برایش آشنا بود اما چند سال گذشته بود و نامم را دقیق به خاطر نمی‌آورد. از من پرسید شما را جایی ندیده‌ام؟ به شوخی گفتم شما در اتاق کنترل و زیر باد خنک کولر می‌نشستید و ما هم در خاک و زیر آفتاب بودیم! دیدارهای دوباره من و شهید ستاری از همین جا آغاز شد.

پدافند هوایی در دوران دفاع مقدس، خط مقدم میدان نبرد اقتصادی به معنای آن روزها، پیش به حساب می‌آمد. آن روزها، تنها

آشفته بازاری به وجود آمده بود این شورا برای شناسایی افراد مفید و سامان‌دهی به بخش‌ها شکل گرفت.

من و آقای طروقی که از انقلابی‌ها بودند مسئول شدیم تا در شورای انقلابی که در ستاد پدافند هوایی به وجود آمده بود، فعالیت‌های این چنین داشته و با یکدیگر همکاری کنیم.

در وهله نخست، او را نه به عنوان یک نظامی، بلکه یک رفیق و کسی که معرف من برای خانه شده بود، می‌شناختم. تصویری که از این فرد به دلم نشست، تصویر یک نظامی با صلابت و

فرماندهی بخش‌های مختلفی مانند گروه پدافند هوایی امیدیه، فرماندهی پدافند هوایی اهواز و مسئول ستاد قرارگاه رعد در امیدیه را بر عهده داشته است. شنیدنی‌های بسیاری از پیش تا پس از انقلاب اسلامی درباره شهید ستاری دارد.

گفت و گو با سرهنگ سید علی حسینی از فرماندهان دوران جنگ تحمیلی و از همراهان شهید منصور ستاری را در ادامه می‌خوانید:



✽ باب آشنایی تان با شهید ستاری آن‌طور که شنیدیم جالب است، شما و شهید ستاری همسایه بودید؟

به نوعی بله. آشنایی بنده با شهید ستاری درست در سال ۱۳۵۵ اتفاق افتاد. شهید ستاری در دانشکده برق دانشگاه تهران دانشجوی بود. من در منزلی که متعلق به پدر همسر ایشان در محله نارمک بود ساکن بودم. این خانه به واسطه شهید ستاری برای ما اجاره شده بود و خانه خودشان هم در یکی از میدان‌های اطراف سکونت داشت. خاطر می‌هست این خانه ۱۱۰ متری، از بیرون پله می‌خورد. «منصور»، افسر فایتر کنترل جوان و دانش‌آموخته، و به تازگی از همدان به تهران آمده بود. عمدتاً که بعد از ظهرها از محل کار بر می‌گشتم ایشان را که اگر دقیق به خاطر داشته باشم، ستوان یکم بود بین راه می‌دیدم و گپی می‌زدیم. اقامت من در منزل پدر همسر ایشان، زمینه شناخت را بیش از پیش فراهم کرد؛ منصور و خانواده‌اش، بسیار محترم و ساده زیست بودند که به بنده و خانواده‌ام، محبت فراوان داشتند.

در ادامه من به شهر دیگری منتقل شدم و شهید ستاری را تا پیروزی انقلاب اسلامی ندیدم. پس از پیروزی انقلاب و با شکل گرفتن شورای انقلاب در پدافند هوایی، نام ایشان را دوباره شنیدم. از آن جایی که در آن زمان در یگان‌های خارج از مرکز نیروی هوایی و ستادها

سلاحی که برای تأمین اعتبارات لازم کشور و به ویژه جنگ داشتیم، نفت بود که باید از مناطق جنوبی کشور صادر می‌شد. اما عراقی‌ها با هدف قرار دادن نفتکش‌ها، پالایشگاه‌ها و حامل‌های معیانات نفتی، سعی داشتند چرخ اقتصاد کشور را که بر مبنای نفت می‌چرخید از کار بیندازند و از تمام توان و تجهیزاتی که برای این کار استفاده می‌کردند.

بر همین اساس، تمام قوای سیاسی و نظامی کشور برای صیانت از اقتصاد با تداوم بخشیدن به حرکت نفتکش‌ها، عزم خود را جزم کرده و در مناطق نفت‌خیز از جمله اهواز حضور داشتند. پدافند هوایی هم نقشی اساسی در مقابله با جنگنده‌های دشمن ایفا می‌کرد و به دلیل حساسیت بالایی که وجود داشت، توقع‌ها از این بخش بسیار بالا بود.

یک انسان متواضع و مردم‌دار است. ایشان در مجله‌ای به نام سرباز عضویت تحریریه بود و مقالاتی می‌نوشت. از خوانندگان پروپاقرص این مجله بودم که به تناوب نوشته‌هایی را که به قلم منصور ستاری به چاپ می‌رساند و می‌خواندم.

✽ چه شد که رعد، پایگاه هوایی امیدیه، شما و شهید ستاری دوباره به هم رسیدید؟

خب خاستگاه اصلی قرارگاه رعد در گروه پدافند هوایی اهواز بود، اما در مقطعی به دلیل حساسیت بالای اقلیم و الزامات جغرافیایی، در پایگاه هوایی امیدیه بوده است. شهید ستاری در آن موقع معاون عملیات پدافند هوایی را عهده دار بودند. من بعد از مدت‌ها برای انجام

حالت آمرانه نمی‌گرفت؛ همیشه با این لحن می‌گفت: بچه‌ها این کار را نکنید، یا حاجی این کار رو انجام بدهید.

### \* شما با ایشان ارتباط زیادی داشتید، نگاه شهید ستاری به موضوعات را چگونه دیدید؟

ایشان به دلیل آگاهی از درد مردم و ارتباطی که با مردم داشت، به قول حضرت امام (ره) که این انقلاب، انقلاب مردم پا برهنه‌ها بود؛ و این پا برهنه‌ها را شهید ستاری در قالب نظامی‌گری که در بخش نیروی هوایی که با آن‌ها کار می‌کردند خوب شناخته بود.

شناختی که شهید ستاری داشت شناختی عاطفی نبود؛ شناخت تخصصی بود و بعدها این را متوجه شدم که شهید ستاری دیدگاه‌ای در سیستم مدیریت و کاری داشت که این دیدگاه حرکت رو به سوی جلو بود. مدیریت ایشان هیچ‌گاه مدیریتی مصلحتی نبود؛ من به عنوان مجری وقتی ایشان حرفی می‌زدند و یا می‌دیدم که در صحنه هستند، خیلی دلگرم بودم چرا که این دستور را شهید ستاری داده‌اند و مطمئن بودم که حتما نتیجه بخش خواهد بود.

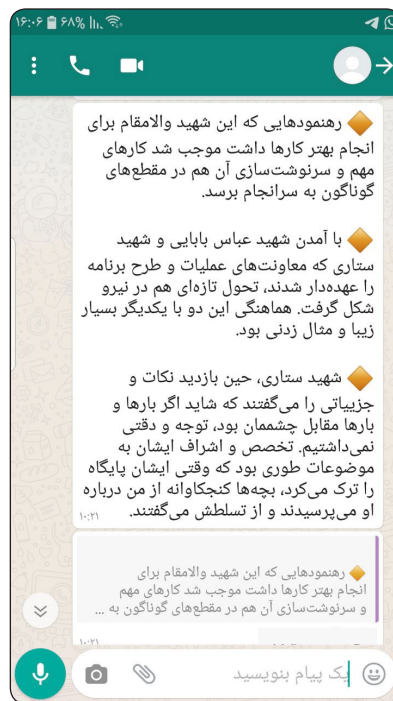
### \* شهید ستاری با دقت و پیگیری زیادی موضوعات را جلو می‌برد، آیا شما هم با این حرف موافق هستید؟

بله؛ ایشان در حصر آبادان به عنوان یک افسر فایتر کنترل می‌نشست و بحث می‌کرد که چرا عراق ۱۲۰ پرواز را در روز گذشته انجام داده ما ممکن است ۱۰ تا ۱۵ پرواز را به عنوان مهاجم ضبط کرده باشیم، بقیه این پروازها برای چه بوده است؟

یک افسر فایتر کنترل با چنین دیدگاهی می‌خواهد موضوع را تجزیه و تحلیل کند که دشمن در صدد چه کاری است، آیا مانور بر گزار می‌کند، آیا ششیه سازی کرده است و خیلی چیزهای دیگر، که همه این مسائل نشان می‌دهد که ایشان خیلی ریز بین و با دقت بودند. ایشان مرتب در شروع هر پروژه‌ای که ما به عنوان مجری بودیم نسخه‌ای می‌نوشت؛ هر روز از آن پروژه باز دید می‌کردند که در جریان پیشرفت پروژه قرار بگیرد. و اگر احیاناً خطایی در پروژه باشد آن را رفع کند.

که: متخصصانی که داریم سایتهی هستند؛ همان طور که می‌دانید، گروهی از متخصصان داریم که داخل سایت تعمیر و نگهداری انجام می‌دهند و گروه متخصصینی که رده بالاتری دارند در دپو مستقرند؛ به شهید ستاری عرض کردم به هر حال بضاعتان همین است و همین قدر دانش و تجربه دارند؛ در ضمن قطعه و تجهیزات لازم مانند تستر ندارند.

شهید ستاری، حین بازدید نکات و جزئیاتی را می‌گفتند که شاید اگر بارها و بارها مقابل چشممان بود، توجه و دقتی نمی‌داشتیم. نوع تخصص و اشراف ایشان به موضوعات طوری بود که وقتی ایشان پایگاه را ترک می‌کرد،



بچه‌ها کنجکاوانه از من درباره او می‌پرسیدند و از تسلطش می‌گفتند.

### \* بر خورد شهید ستاری با نیروهای تحت امر خود چگونه بود؟

بر خورد او به قدری ساده و متواضعانه بود که در نگاه نخست و بدون شناخت از او، کسی باور نمی‌کرد فرمانده نیروی هوایی است. باباجان تکیه ثابت کلام ایشان بود و طوری با بچه‌ها صمیمی صحبت می‌کرد که گویی سال‌ها است رفیق آن‌هاست. علاوه بر همه این ویژگی‌ها، حرف‌هایش انرژی و انگیزه بخش بود. ایشان در موقع صحبت کردن هیچ وقت

### \* از اقدامات شهید ستاری در جنوب کشور بگوئید و چه تاثیر در روند کارها پیش آمد؟

وقتی من مسئولیت گروه پدافند هوایی اهواز را بر عهده گرفتم، ارتباط من و شهید ستاری نیز بیش تر شد. رهنمودهایی که این شهید والامقام برای انجام بهتر کارها داشت موجب شد کارهای مهم و سرنوشت‌سازی آن هم در مقطع‌های گوناگون به سرانجام برسد. من یک مسئول اجراکننده فرامین بودم و شهید ستاری به عنوان معاون عملیات پدافند هوایی، نکات و نقطه نظرات و راهبردهای را گوشزد می‌کرد.

برای نخستین بار موضوع مهم پست فرماندهی توسط جهاد خودکفایی نیروی هوایی و مهندسی رزمی را انجام دادیم و این موضوع را حل و فصل کردیم. با ایجاد کاماند پست، تمام عناصری را که در منطقه اهواز حضور داشتند، گرد هم آوردیم تا اطلاع‌رسانی، ارتباط و انجام کارها تحت یک فرماندهی یکپارچه صورت بگیرد و دفاع هوایی منسجم تر شود.

شهید عباس بابایی و شهید ستاری که معاونت‌های عملیات و طرح برنامه را عهده‌دار شدند، تحول تازه‌ای هم در نیرو و شکل گرفت. هماهنگی این دو با یکدیگر بسیار زیبا و مثال زدنی بود. از نزدیک شاهد بودم که شهید بابایی از بعد آفندی و شهید ستاری در بعد پدافندی، برای حفظ منابع نفتی و صیانت از آسمان کشور چه تلاش‌هایی می‌کنند. همین که این دو در منطقه حاضر بودند و با پرسنل تعامل داشتند، این حضور در افزایش روحیه و بهتر انجام شدن کارها اثرمند بود.

### \* بسیاری معتقد هستند که شهید ستاری فردی با دقت و ریزبین بودند آیا شما هم با این موضوع بر خورد داشته‌اید؟

شهید ستاری، تیمی را تحت عنوان تیم دپو و تعمیر و نگهداری در منطقه تشکیل داد. آقای نودری که در دولت قبلی وزارت نفت را بر عهده گرفت، مسئول حراست منطقه نفت خوزستان بود.

ایشان برای بازدید به بید بلند و پریس ترانه رفته بودند؛ گفتند که چرا رادارهای اسکای گارد، خوابیده و فعال نیست؟ گفتیم

# کارِ کارستان



اول، آخر. برای بیان تصویری از جایگاه آدمها، پای قرار دادها به میان می آید. نمره، رتبه، ثروت و ... اعداد و ارقام اما هیچگاه نتوانسته و نمی توانند ملاک معیار خوبی برای شگفتی ها باشند.

تجربه تاریخ عیان کرده است که پیشبینی های مرسوم شاید درباره پدیده های غیر انسانی درست از آب در بیاید اما اشرف المخلوقات، همیشه حرف های زیادی برای گفتن، و خرق عادت های نادیده بی شماری برای نمایاندن دارد.

این خاصیت، نشات گرفته از سرچشمه بی کران خالق انسان است. ابن البشر می تواند خرق عادت کند و با نوآوری، که بی شمار است و بی انتها، همواره حرف های تازه ای داشته باشد. کم نیستند انسان های موفق شاخص و سرآمدی که روزگار قضاوت عدد و رقم ها در زمره آدم های شاخص قرار نمی گرفتند. پیش بینی های مرسوم شرایط عادی در شرایط عادی صدق می کنند و استثناء ها را در بر نمی

است. دوران تحصیل با تمام محدودیت ها و مشقت ها گذشت و منصور، برای بهتر بودن رنج ها را مشتاقانه و سخت کوش به جان می خرید.

اگر چه شاید بر روی کاغذ و در قامت کارنامه ها چندان شاخص و ویژه نبود، اما کارنامه واقعی او در عملکردش نمایان می شود.

ابتکار های ماندگار و خلاقیت هایی که در

شرایط بر می آیند. تجربه تاریخ نیز این را نشان داده است و آدم هایی که به استناد معیارهای مرسوم، چندان شاخص نبودند اما استثنا شده و دست به کارهای بزرگی زداند. کار کارستان، از دست و دل کسی بر می آید که بتواند نادیدنی های را ببیند و نوآوری، نادیدنی و غیر قابل شمارش است.

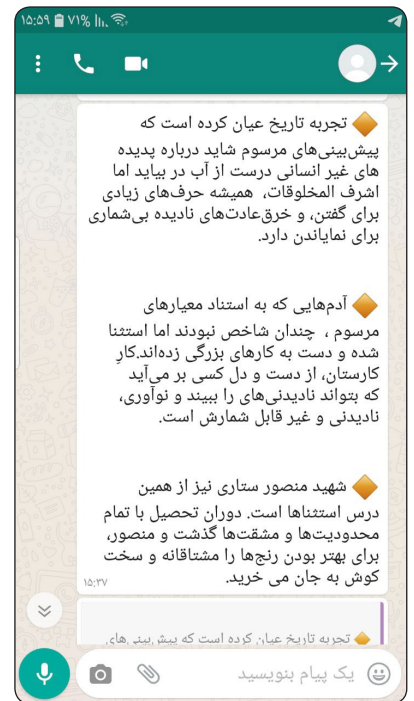
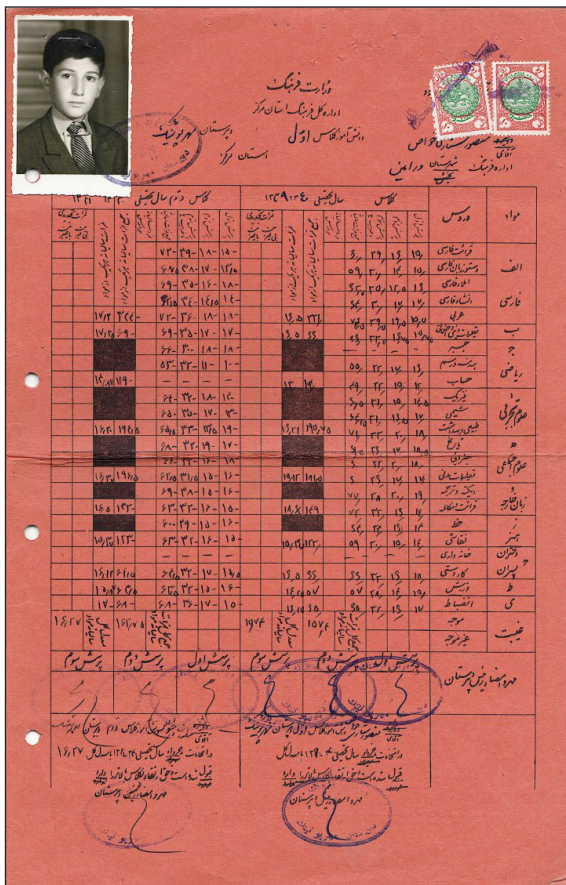
شهید منصور ستاری نیز از همین درس استثناها

سخت ترین شرایط کشور آمدند ماندگار و درخشان در صفحات تاریخ این مرز و بوم رخ نمایی می کند.

منصور ستاری در دوران آموزش آمریکا، جزو برترین ها بود و نامش همیشه میان بهترین های دوره های آموزشی و عملیاتی به چشم می خورد. دوره هایی را که در دانشکده افسری گذرانده و تسلط بسیار خوبی که به زبان انگلیسی داشت، تکیه گاه و پیش برنده او برای پیشرفت شد.

منصور علیرغم شوق و استعداد خوبی که در گذراندن درس رشته مهندسی برق دانشگاه تهران نشان داده بود، اما با انقلاب و دفاع مقدس، اولویت اصلی اش را کشور و هم وطنانش قرار داد و ترم سوم بود که دانشگاه را رها کرد.

در این گزارش بر کارنامه های شهید منصور ستاری در دوران تحصیلی اش مروری تصویری شده است.



گیرند. انسان های خارق العاده و کارهای خارق العاده شان با تکیه به شواهد سطحی و اولیه قابل پیشبینی نیستند. تعبیر معروفی بیان می کند انسان های شاخص از معمولی ترین

# یار دیرین امام و امت



شکست رژیم ستم شاهی، نشان دهنده شعور ایمانی و انقلابی این عزیزان فداکار و عشق ورزیدن به آرمان های مقدس و آزادی خواهانه ملت، در این سرزمین بود. نیروی پرافتخار هوایی ارتش جمهوری اسلامی

\* امیر سرتیپ دوم محمدرضا فولادی رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش های ارتش جمهوری اسلامی ایران

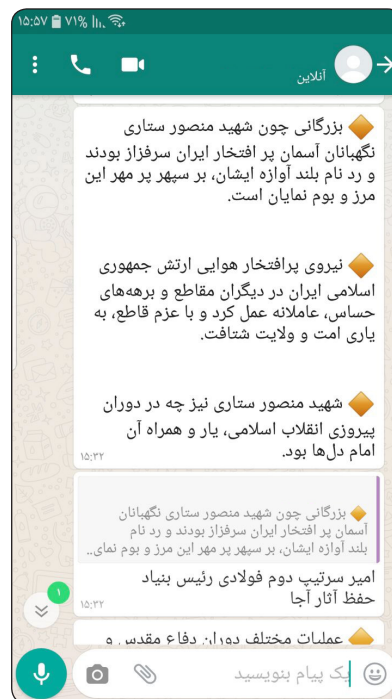
آسمان بی کران ایران اسلامی، گواه صادقی است بر رشادت تیرپروازان نیروی هوایی و قهرمانان بزرگی که از اقتدار و کیان ایران دفاع کردند. در طول دوران پرافتخار دفاع مقدس یادگارهایی بر جای گذاشتند ماندگار. بر هر ترفند کوردلانه‌ی دشمن، پدافندی بودند و ید ایزدی در برابر اهریمن. یگانه قهرمانانی که شجاعت و شجاعت در سرشتشان بود و شهادت سرنوشتشان.

بزرگانی چون شهید منصور ستاری نگهبانان آسمان پرافتخار ایران سرفراز بودند و رد نام بلند آوازه ایشان، بر سپهر پر مهر این مرز و بوم نمایان است. که در اوج زیسته اید و بر الطاف نامتناهی نگریده‌اید، نام شهیدان پر آوازه‌ای همچون شهید ستاری شهید عباس بابایی، شهید جواد فکوری، شهید عباس دوران و شهید مصطفی اردستانی و دیگر شهدای آن نیرو در کارنامه درخشان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌درخشد، پروازتان در بیکران آبی آسمان با سرود حماسه آمیخته است، نامتان بلند و پر افتخار باد.

نقش ارزنده همبستگی با شکوه ارتش، به ویژه نیروی هوایی در اضمحلال و

بود. همچنین در کوران عداوت‌ورزی و کینه‌توزی‌های دشمنان و ایام هجمه ظالمانه دشمن، در قامت یک مدیر و مدبر، برای صیانت از کشور و قطع ید دشمنان مخلصانه و خالصانه تلاش کرد. عزم و اراده ستاری در دوران دفاع مقدس، پیش و پس از آن در هموار کردن راه اعتلا و صلابت هر چه بیش تر ایران اسلامی، در یادها ماندنی است. هر برگ از دفتر پرافتخار ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی هوایی، مشحون از جان‌فشانیه‌ها و رشادت‌هایی است که جز نگاه همواره ناظر باری تعالی، بر ابعاد مستور آن روزها و این دل‌ورمردی‌ها گواهی نتوان یافت. تلاش‌ها و دل‌ورمردی‌هایی که موجب شد تا روز به روز بر اقتدار و پیشرفت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران افزوده شود.

یاد شهیدان والامقام دفاع مقدس گرمی و نامشان بر لوح تاریخ جاودان باد. ان شاء الله



ایران در دیگران مقاطع و برهه‌های حساس، عاملانه عمل کرد و با عزم قاطع، به یاری امت و ولایت شتافت. شهید منصور ستاری نیز چه در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، یار و همراه آن امام دل‌ها

خاطرات ناز از همراه قدیم

# آسمان یکدست آبی

## یکپارچگی فضای آسمان ایران

مهم‌ترین کاری که او انجام می‌دهد این است که فضای آسمان کشور را از لحاظ خودی و دشمن به یکپارچگی و شفافیت برساند. این کار برای جلوگیری از گشودن آتش پدافند هوایی به روی جنگنده‌های خودی بود که تا پیش از آن به عنوان یک معضل بزرگ بارها اتفاق می‌افتاد. دلیلش عدم انسجام و یک دستی در بخش‌های گوناگون درگیر در دفاع

عنوان مسئول آموزش مشغول فعالیت بود. این در حالی است که دشمن شعله جنگ را بر افروخته و بار سنگین خلأ تیم‌هایی که با زیر و بم نیروی هوایی آشنا بودند، بر شانه دانش آموختگان و پرسنل نیروی هوایی به خصوص جوان‌ها بیش‌تر سنگینی می‌کرد. ستاری خود را در برابر این موضوعات مسئول می‌بیند و به عنوان یک متخصص دانش آموخته در حوزه پدافند و رادار، سعی می‌کند



هوایی بود.

این کار با هدف جلوگیری از هرج و مرج در دفاع هوایی و آشفتگی در رصد آسمان کشور به خوبی نتیجه بخش شد. در جنگ تحمیلی، کاری را که در دفاع از آسمان و ساماندهی آسمان کشور انجام داد، ماندگار و ارزشمند شده است.

آشنایی من و شهید ستاری، به سال ۱۳۴۹ و ایستگاه راداری جاسک باز می‌گردد. ستاری به دلیل استعداد و علاقه فراوانی که به مسائل راداری و پدافندی داشت، به خوبی ارتباط برقرار می‌کرد و اگر چه دانش و تخصص بالایی داشت، اما مدام در حال پرسیدن و آموختن بود.

باری از دوش دفاع هوایی کشور بردارد. از هر جای نیرو که درباره شرایط و چندوچون تأمین نیازهای پرسی، اخبار امیدوارکننده‌ای شنیده نمی‌شود، اما این موضوع باعث نمی‌شود ستاری از پابنشینند و ناامیدانه به موضوع بنگرد.

منصور در نخستین اقدام، تلاش می‌کند تا گروهی از متخصصان در حوزه‌های مختلف که اغلب از هم دوره‌ای‌ها و دوستانش بودند و نسبت به توانمندی‌هایشان آگاهی داشت، گرد هم بیاورد و تیم خود را تشکیل دهد. تأکید بر کار گروهی از مهم‌ترین بارزهای کار او بود.

پس از گذشت سه دهه از دفاع مقدس، هنوز زوایای بسیاری از زندگی بزرگ مردانی همچون شهید ستاری که در دفاع مقدس خوش درخشیدند به خوبی روشن نشده است. مطالعه ابعاد مختلف زندگی و شخصیتی و همچنین شیوه‌های رفتاری فرماندهان آن زمان به عنوان هدایت‌کنندگان مسیر جنگ تحمیلی، می‌تواند سرمشق و سرلوحه مدیران فرماندهان امروزی قرار گیرد.

## سروان رحمت‌الله اکبری که سال‌های

دفاع مقدس را در بخش «پشتیبانی» و «لجستیک» نه‌جا فعالیت کرده است، از دوستان و یاران شهید ستاری بیان می‌کند: بعد از انقلاب، ارتش سازمان تازه‌ای تصویب کرد. دو فرماندهی بسیار بزرگ در ساختار نیروی هوایی، شکل و ساختار تازه‌ای گرفت و متحول شد.

تمرکز فرماندهی پایگاه‌های ترابری و شکاری، به عنوان فرماندهی تاکتیکی هوایی که نخستین فرمانده‌اش سرتیپ خلبان امیر حسین ربیعی بود که بعداً فرمانده نیروی هوایی شد که در فروردین سال ۵۸ اعدام شد. پس فرماندهی تاکتیکی و فرماندهی پدافند هوایی، به عنوان دورکن بزرگ نیروی هوایی شناخته شدند. در پدافند هوایی تیمی از مستشاران آمریکایی تحت عنوان تیم تفت مستقر بود. این تیم شامل مشاوران متخصصی بود که تمامی جنگ افزارهای خریداری شده از آمریکا را، در تمامی بخش‌ها از جابه‌جایی و انتقال تا تعمیر و نگهداری برای پدافند انجام می‌داد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و خروج مستشاران آمریکایی از جمله تیم‌هایی که منحل شدند همین تفت بود.

با شروع جنگ تحمیلی در سال ۵۹، نیازها و کاستی‌هایی که به خارجی‌ها وابستگی داشت، بیش‌تر ظهور و بروز پیدا کرد. شهید منصور ستاری افسر کنترل شکاری جوان که به تازگی از آمریکا به کشور بازگشته بود، به



## تلاش شبانه روزی برای ارتقای سطح دانش پرسنل

شهید ستاری گفت: برای تدوین این کتاب، بارها از دانشگاه‌ها درخواست داشتم اما پاسخی دریافت نکردم. شهید ستاری همواره انگیزه‌مند و امیدوارانه به مشکلات نگاه می‌کرد و گفت بسم الله بگویند و کار را شروع کنید. شهید ستاری از عبارت بسم الله و یا علی به کرات استفاده می‌کرد و این کار، با انگیزه بخشی و همراهی ایشان آغاز شد.

همین نگاه همراهانه فرمانده و آگاهی‌اش به ما انگیزه می‌بخشید و موجب می‌شد کار را مشتاقانه آغاز کنیم؛ می‌دانستیم که دانش فنی این کار در پرسنل ما وجود دارد، اما می‌بایست امکانات فنی و زیرساختی آن وجود داشته باشد. همین شد که شهید ستاری، با پیگیری‌های مجدانه و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، امکانات و پیش‌نیازهایی را که لازم بود تدوین این کتاب بود، به ما می‌رساندند.

کار تدوین کتاب با توجه به تأکید شهید ستاری برای هر چه سریع‌تر انجام شدن کار به طور موازی در چند حوزه دنبال می‌شد، در حالی که طراحی و کارهای گرافیکی توسط گروهی دیگر پیش می‌رفت ما نیز در پی انجام مسائل فنی کتاب بودیم. به لطف خدا، با تلاش گروه و با نظارت و پیگیری شهید ستاری، کار گردآوری اطلاعات کتاب یک و ماه و نیمه به پایان رسید.

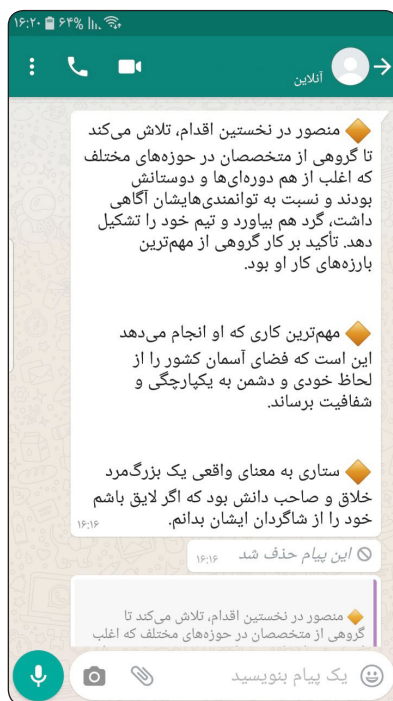
کتاب به رؤیت شهید ستاری که رسید، از ما قدردانی و نکاتی را درباره کتاب یادآوری کردند. نکته‌هایی که نشان از دقت و آگاهی بالای ایشان داشت. شهید ستاری کتاب‌ها را به پرسنل فنی و الکترونیک نیز نشان داد تا بررسی‌های تخصصی و فنی را انجام دهند. پس از ۲ مرحله بررسی بارادار یا به اصطلاح «رادار چک»، خوشبختانه کتاب با دقتی بالاتر از حد انتظار تأیید شد. این کتاب‌ها که هوز هم مورد استفاده است با کمک فرمانده بزرگی چون شهید ستاری و دیگر عزیزان در نیروی هوایی انجام شد. شهید ستاری، آموختن را مهم‌تر و اولویت‌دارتر از خریدن می‌دانست. او در تمام دوران فعالیتش نشان داد که دانستن سرلوحه کارش است. در پی اندیشه‌ها و ایده‌های والای او، ارتقای آموزش‌ها در نیروی هوایی و در تمامی رده‌ها، به عنوان یک الزام دنبال می‌شد.

که دسترسی به آن نیازمند نصب داربست بود. تمهیداتی اندیشیده شد تا در چند روزی که کار تعمیر تابلوها طول می‌کشید، مشکلی پیش نیاید.

کار تعمیر تابلوها مجموعاً ۱۷ روز طول کشید و این کار را خوشبختانه به سرانجام رساندیم. این کار باعث شد پشتیبانی بیش از پیش به توانمندی‌های داخل نیرو و امیدوار شود و با انگیزه بیش‌تری به جلو حرکت کند.

### ستاری خلاق و صاحب دانش بود

ستاری به معنای واقعی یک بزرگ‌مرد خلاق و صاحب دانش بود که اگر لایق باشم خود را از شاگردان ایشان بدانم. در سال ۱۳۶۳ سرهنگ



منصور ستاری به عنوان معاون عملیات پدافند هوایی روزی به دفتر پشتیبانی تشریف آوردند و باب آشنایی من با ایشان از همان جا باز شد. شهید ستاری گفتند ۲ رادار نصب شده است. اما این رادارها فاقد یا پوشش مناطق کور است. وقتی رادار شروع به فعالیت می‌کند، با توجه به کوهستانی بودن و اقلیم منطقه، ممکن است مناطقی را نبیند. برای مناطقی که در دیدرس رادار نیست، از کتابی استفاده می‌شود که ما را برای شناسایی عوارض و مناطق خارج از پوش رادار هدایت می‌کند.

سال ۴۹ به ایستگاه راداری جاسک برای تحویل از تیم تفت مأمور شد تا این سایت را ظرف حداکثر ۴۸ ساعت تحویل بگیرد. به سایت مأمور شدم تا مشکلات موجود را به تهران اعلام و سایت را برای تحویل آماده کنم.

### اعتماد و ایمان به توان نیروهای داخلی

بنا به نیازهای نیروی هوایی پس از انقلاب و دوران جنگ تحمیلی، گروه‌های متعددی شکل گرفتند تا جایگزین تیم‌های خارجی شوند. در یکی از این گروه‌ها سر تیپ خلبان فکوری حضور داشت و سرهنگ نوروزی، معاون عملیات پدافند هوایی حضور داشتند. یکی از مشکلات، فرسودگی تابلوهای نشان دهنده پست فرماندهی و محدودیت دید دستور تعویض تابلوها را بدهند. سرهنگ فکوری فریاد می‌زد و ناراحت بود چرا که تا الان دستوری مبنی بر تعویض تابلوها وجود نداشته است و حالا که تیم‌های مستشار را در ایران نداریم چنین درخواستی مطرح شده است. نگرانی‌ها از بابت انجام کارها آن هم در نبود مستشارها، به جا بود. چرا که بخش اعظم یا به بیانی، تمام بخش‌های فنی و تجهیزاتی توسط آنان انجام می‌شد و نیروهای ایرانی، تنها در موارد جزئی اجازه نقش آفرینی داشتند.

با این وجود، من اعلام کردم که می‌توانم کار تعمیر این تابلوها را انجام دهم. با تعجب رو به من گفت: چگونه می‌خواهی این کار را انجام دهی. من درباره چگونگی آشنایی با این کار و آموختن آن از آمریکایی‌ها مفصل توضیح دادم. تمام نگرانی سر تیپ فکوری و دیگران از انجام نشدن این کار و تحمیل هزینه‌ای تازه به نیرو بود. اما خوشبختانه به ما اعتماد کردند و کار را آغاز کردیم.

تجهیزات که به دستمان رسید، یکی از تابلوها را باز کردم. دیدم در این تابلوها از مبدلی استفاده شده است که برق ۲۲۰ را به ۱۱۰ ولت تبدیل می‌کند. ترانس‌های قوی و سنگین را جایگزین کردم و از مهتابی‌های باریک استفاده شد. قاب تابلوها هم توسط یکی از افراد لجستیکی نیرو ساخته شد.

طرح اولیه تابلوها را که ابعادی در حدود ۵ متر در ۵ متر داشت، انجام دادیم. تابلوهای جانبی که به پایان رسید، به تابلوی بزرگی رسیدیم

گفت‌وگویی با هم‌رزم شهید ستاری درباره نوآوری‌ها و دغدغه‌هایش

# نگاه ویژه به دانش‌افزایی نیروی انسانی

ایشان پس از طی دوره‌های مورد نیاز، به پست اداره دفتر معاونت عملیات فرماندهی پدافند هوایی دعوت و علاوه بر مسئولیت‌هایی همچون برنامه‌ریزی و تامین نیروی طرح خارج از کشور، طرح ظفار در کشور عمان را نیز هدایت می‌کردند و چون از عوامل ستادی محسوب می‌شدند ارتباطات ما بیش تر شد.

در سال ۱۳۶۵ به عنوان فرمانده به گروه پدافند هوایی اهواز منتقل شدم. این موضوع، مقارن با عملیات کربلای ۴ و ۵ بود. آن موقع کمبود نیروی متخصص دست و پنجه نرم می‌کردیم.

من که به توانمندی دانشگاهی‌ها خبر داشتم و می‌دانستم تخصص‌های خوبی در دانشگاه علم و صنعت وجود دارد که شهید ستاری هم از آن آگاه است، پیشنهاد دادم از نیروهای متخصص این دانشگاه استفاده شود؛ اصفهان هم کمتر از اهواز نیست؛ شهید ستاری گفت چه کار کنیم؟ من پیشنهاد دادم که از نیروهای قابل و فارغ التحصیل در رشته‌های مهندسی دانشگاه‌ها که به صورت سرباز عادی در دفاتر یگان‌ها انجام وظیفه می‌کنند استفاده شود، چرا که از دانش ثنوریک بالایی برخوردارند. در این جا هم کارهای عملی را می‌آموزند و خدمت می‌کنند؛ اگر بدبینانه هم نگاه کنیم کار یاد می‌گیرند؛ حال

در نیرو می‌مانند یا بیرون می‌روند؛ شهید ستاری، که دیدگاه روشن و آگاهی خوبی نسبت به مسائل داشت، استقبال کرد و با روی گشاده پذیرفت. او، هماهنگی‌های لازم را صورت داد و زمینه ورود فارغ‌التحصیلان برق و الکترونیک آن دوره را به نیروی هوایی فراهم کرد. چند روز بعد، ۳ گروهان مهندس فارغ التحصیل برق و الکترونیک وارد پادگان آموزشی قصر فیروزه شدند که تعداد ۱۶ نفر آن‌ها از هم کلاسی‌های خود من در دانشگاه علم و صنعت بودند.

خاص خود بودند برخوردار می‌شدند. توی محوطه دانشگاه قدم می‌زدم یک روز، اتفاقی در دانشکده، منصور را دیدم؛ احوال‌پرسی کردیم و در حالی که قدم می‌زدیم، یادی از گذشته کردیم و از احوال بستگان یکدیگر پرسیدیم. من تا محل آسایشگاه خود که در یکی از طبقات ساختمان شماره یک دانشکده بود همراهی کردم و از آن پس دیگر به علت فارغ التحصیلی دیگر ایشان را ندیدم.



تعامل تان با شهید ستاری چگونه ادامه پیدا کرد؟

سال ۱۳۴۹ پس از یک سال خدمت در مشهد و گذراندن به قلعه مرغی تهران اعزام شدم؛ یکی از روزها که به ستاد نهارجارفته بودم با یکی از هم کلاسی‌های خود که در ضد اطلاعات نیروی هوایی خدمت می‌کرد برخورد کردم و به من گفت می‌خواهم بروم دانشکده افسری و تعدادی از فارغ‌التحصیل‌هایی را که سهمیه نیروی هوایی هستند، با خود بیاورم؛ تو کسی را می‌شناسی؟ من، شهید ستاری را که دارای سابقه تحصیلی در خسانی در دوران تحصیل دبیرستان و دانشکده داشت معرفی کردم و ایشان وارد نیروی هوایی شد.

۲۵ سال از پرواز ابدی منصور ستاری فرمانده سابق نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد. به همین مناسبت، خاطرات ناگفته‌ای از زندگی و فعالیت کاری این شهید والا مقام را از زبان سر تیپ ۲ کنترلر شکاری مهندس قدیر توکلی معاون فرماندهی پدافند هوایی در سال ۱۳۷۴ را در ادامه می‌خوانید.

امیر توکلی، زمینه آشنایی شما با شهید ستاری و خانواده ایشان چگونه شکل گرفت؟

آشنایی من با خانواده ایشان از سال‌های ۱۳۳۷ آغاز می‌شود، آن زمان من دانش‌آموز دبیرستان کارخانه قند و رامین بودم و با اخوی ایشان ناصر ستاری مراد و دوستی داشتم. از طرفی برادر بزرگتر بنده که مروج کشاورزی تعدادی از روستاهای ورامین بود از جمله ولی آباد قرچک زادگاه شهید منصور ستاری را تحت پوشش داشت در تماس نزدیک با مرحوم پدر و خانواده ایشان بود.

از سویی دیگر هم‌زمان شهید بزرگوار هم کلاسی برادر کوچکتر من در مدرسه راهنمایی پوئینک (شهری در ورامین) بود و از این طریق نیز ایشان را می‌شناختم.

منصور، دانش‌آموزی تلاش‌گر و مورد توجه مسئولین مدرسه بود، این آشنایی به همین طریق ادامه داشت تا این که در سال ۱۳۴۱ من از ورامین برای ادامه تحصیل به تهران آمدم و دیگر کم‌تر با ایشان در تماس بودم.

از اولین دیدار خود با شهید ستاری در دانشکده افسری بفرمایید؟

من در سال ۱۳۴۱ بعد از این که دیپلم گرفتم، وارد دانشکده افسری نیروی زمینی شدم. سال‌های اول و دوم دانشجویی را گذراندم و سال ۱۳۴۶ دانشجوی ارشد دانشکده یعنی سال سوم شدم. سال سوم‌ها، از آزادی‌های بیش‌تری نسبت به سال‌های اول و دوم که هر کدام دارای محدودیت

و پیگیری‌ها بود که بسیاری از هواپیماهای زمین‌گیر شده، دوباره بال پرواز گرفتند.

### شهید ستاری توجه ویژه‌ای به خانواده شهید داشتند، می‌توانید بگویید چه کار و خدماتی برای خانواده شهید صورت گرفت؟

توجه ایشان به خانواده شهید نیز زبان زد بود. سال ۱۳۶۸ طی یک طرح جامع تعداد یک هزار نفر از خانواده شهید از پایگاه‌های بندرعباس، همدان، تبریز و دزفول با هواپیماهای نه‌جا در یک روز به تریب وارد مشهد شدند که با همت کارکنان گروه و اجاره دو دستگاه اتوبوس از شهر موفق شدیم بدون هیچگونه مشکلی پرواز ورود آنان را با وسایل نقلیه گروه تا درب پایگاه هدایت و از آن‌جا با اتوبوس‌های استیجاری برای زیارت به حرم رفتیم.

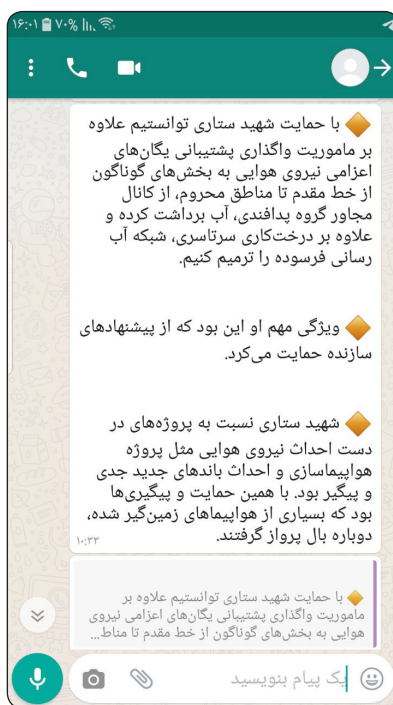
### از روز حادثه و ساعاتی قبل از حادثه برایمان بگویید.

روز شهادت ایشان، پس از پایان کار روزانه در منزل بودم که با توجه به عدم گزارش مسیر برگشت پرواز مورد نظر از طریق تلفن منزل پیگیر این پرواز از پست فرماندهی شدم. گفتند هواپیما، از کیش برخاسته و به سوی پایگاه هوایی اصفهان عزیمت کرده است.

من خواستم هر موقع از اصفهان پرواز کرد اطلاع دهند که چند دقیقه بعد از پرواز آن را اعلام و من خواستم هر موقع در تهران نشستند نیز مجدداً گزارش نمایند. چند دقیقه بعد افسر شیفت وقت تماس گرفت و گفت که به علت نقص فنی در حال مراجعت به فرودگاه اصفهان است. به او گفتم هر وقت هواپیما نشست، موقعیت رابه من گزارش کنید. در کمال ناباوری چند دقیقه بعد گزارش کردند که متأسفانه هواپیما سانحه دیده، ولی از وضعیت سرنشینان اطلاعی در دست نیست. آن روز، روز عزای نیروی هوایی بود و فرمانده پایگاه هوایی اصفهان اعلام کرد که به علت شهادت کلیه سرنشینان اعزام به روز بعد موکول شده است. شهادت ایشان و فرماندهان ارزنده‌ای چون امیر یاسینی و امیر اردستانی، شوک بزرگی بود که به نیروی هوایی وارد شد و ناباورانه، هنوز هم در غم این فقدان هستیم. روحشان شاد و یادشان گرامی

در کنار افسر نگهبان وجود داشت که با بازمانده جای افسر نگهبان آبیاری می‌شد. به حول قوه الهی و با حمایت شهید ستاری توانستیم علاوه بر مأموریت واگذاری پشتیبانی یگان‌های اعزامی نیروی هوایی به بخش‌های گوناگون از خط مقدم تا مناطق محروم، از کانال مجاور گروه پدافندی، آب برداشت کرده و علاوه بر درخت‌کاری سرتاسری، شبکه آب رسانی فرسوده را ترمیم کنیم. با همتی که شهید ستاری داشت و انگیزه‌ای که به ما می‌بخشید، منازل سازمانی با درخت‌ها حال و هوایی تازه گرفتند.

### در حوزه تسهیل حمل و نقل کارکنان



### نیروی هوایی چه اقداماتی صورت گرفت؟

روزی ایشان از ستاد نه‌جا اداره دارائی نماینده‌ای را فرستادند و خواستند که مقدمات پذیرایی از معاون لجستیک نیروی هوایی کشور پاکستان برای بازدید از یگان‌ها فراهم شود. با حمایت ایشان علاوه بر تجهیز محل پذیرایی به بهترین وجه با باقی مانده بودجه اختصاصی به این امر که چیزی حدود ۱۰۰ هزار تومان بود، یک دستگاه سواری فرسوده بازسازی شد.

شهید ستاری نسبت به پروژه‌های در دست احداث نیروی هوایی مثل پروژه هواپیماسازی و احداث باندهای جدید مثل باند فرودگاه جنوب خراسان جدی و پیگیر بود. با همین حمایت

### تا چه اندازه با کارها و نوآوری‌هایی که شهید ستاری داشت، آگاهی داشتید؟

الحق ایشان منشاء خدمات بزرگی در نیروی هوایی شد و پروژه‌های بسیاری اجرا کرد، از جمله سیستم تغذیه هوایی منطقه که تا آن زمان به صورت دستی وارد دانشگاه‌ها می‌شد از آن پس در زمان به طور اتوماتیک وارد سیستم می‌شد از آن‌جا که شهید ستاری از هوش و ذکاوت خاصی برخوردار بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز برای بهبود کیفیت کار، زحمات زیادی را متحمل شد. مثلاً بخش قابل توجهی از کتاب‌های آموزشی را شخصاً از انگلیسی به فارسی برگردان کرد. با تسلط خوبی که به زبان انگلیسی داشت مقالات علمی و فنی روز را از مجلات خارجی ترجمه و در اختیار پرسنل علاقه‌مند قرار می‌داد یا در نشریات ماهانه نه‌جا منتشر می‌کرد.

ویژگی مهم او این بود که از پیشنهادها سازنده حمایت می‌کرد. من در آن سال پیشنهاد پخش امواج رادار هاگ را از دور آنتن مخابراتی در فاصله معینی از رادار اصلی ارائه دادم تا اگر هواپیماهای سوخوی عراقی آن‌ها را مورد هدف قرار دادند به هنگام حمله هواپیماهای مهاجم عراقی بتوانیم آنتن اصلی را به کار گرفته و موفق به شکار هواپیماهای مهاجم شویم.

ستاری از این طرح استقبال کرد و حمایت‌های لازم برای شروع کار را صورت داد، اگرچه طرح توسط اساتید دانشگاه علم و صنعت بررسی و تایید شده بود اما مشکلات متعددی فراروی پروژه قرار گرفت که اجرایی نشد. اما شهید ستاری، در طرح‌های خلاقانه و اثرگذار، محدودیت قائل نمی‌شد و از نوآوری، تمام‌قد حمایت می‌کرد. یکی از ویژگی‌های دیگر شهید ستاری این بود که اگر می‌دید مسئولین در حین انجام وظیفه اصلی قابلیت اجرای طرح‌های عمرانی دیگر را نیز دارند با حداکثر توان زمینه را برای نقش آفرینی‌شان فراهم می‌کرد.

### مصدیقی از این ویژگی به خاطر دارید؟

بله؛ سال ۱۳۶۵ در گروه پدافند هوایی اهواز فعالیت می‌کردم. این گروه پدافندی در مجاورت کارون قرار داشت و کانال آب رسانی بزرگی از کنار گروه عبور می‌کرد. احتمالاً می‌دانید که خوزستان قطب تولید درختان اکالیپتوس است. در گروه پدافند فقط یک درخت کوچک کنار

## گفتاری از هم‌رزم شهید

# نجات با نوآوری

در مورد موشک‌های پالسی هم همین بود و در حالی که دشمن ظرف مدتی کمتر از ۵ دقیقه، ۳ رادار پالسی ما را از بین برد، دچار مشکل بسیاری شده بودیم. همان زمان شهید ستاری که مدیریت خوبی روی این حوزه داشتند، با بهره‌گیری از برنامه زمان‌بندی، روی همین موضوع اثر گذار شدند.

### نوآورانه‌ای دیگر مطرح شد

ایده نوآورانه هم پوشانی رادارها نیز یکی دیگر از طرح‌های خلاقانه شهید ستاری برای حفظ رادارهای کشور در اوج امکانات فناوریانه دشمن بود. طرح هم پوشانی به این صورت عمل می‌کرد که اگر رادارهایی در مجاورت هم قرار می‌داشتند و یک رادار تهدید می‌شد، رادار تحت تهدید را خاموش می‌کردند و رادار مجاور را روشن می‌کردند. با همین دست ابتکار بود که توانستیم در این حوزه‌ها توانمندی خود را به اثبات برسانیم. با وجود این که فناوری دشمن پیشرفته می‌شد و محدودیت‌های ما افزایش می‌یافت اما خلاقیت‌های نامحدود بزرگانی چون شهید ستاری بود که راهی را بر حل مشکلات و رفع کاستی‌ها می‌گشود.

نوآوری‌های شهید ستاری بسیار بود. مقابله با میگ ۲۵ و ایستادگی در جنگ شهرها را از دیگر موضوعاتی است که شهید ستاری در آن نقش داشت. در اوج

نوآوری‌هایی توسط شهید ستاری بر روی سامانه هاگ پیاده‌سازی شد و توانستیم تا واپسین روزهای جنگ به کمک این سامانه، تلاش پرسنل، فرماندهان و مسئولان قهرمانانه مقابل حملات هوایی دشمن قد علم کنیم.

### با شهید ستاری دفاع هوایی کار آمد ماند

در برهه‌ای از دفاع مقدس و یک بازه زمانی کوتاه، ۳ رادار تعقیب هدف هاگ کشورمان توسط دشمن مورد اصابت قرار گرفت. در تعجب بودیم که این رادارها چگونه شناسایی، رهگیری می‌شود و مورد اصابت قرار می‌گیرد. متوجه شدیم که موشک‌های کا-۲۸ روسی که توسط هواپیماهای سوخو ۲۲ حمل می‌شود، توسط عراق از روسیه خریداری شده است. هواپیمای سوخو ۲۲ منبع تشعشع امواج را پیدا می‌کنند، مختصات آن را به موشک می‌دهد و موشک نیز دقیقاً به مرکز تشعشع امواج برخورد

### سرهنگ حسین صفری ابهری

افسر عملیات پدافند هوایی نه‌جا سال ۵۲ بود که به نیروی هوایی پیوستم. در آن جا دوره‌های مختلف نظامی را طی کردم. همچنین در آمریکا سیستم‌های هاگ، اورکین اسکای گارد و توپ ۲۳ میلی متری و دیگر تخصص‌ها را گذراندم. سپس به عنوان افسر عملیات هاگ وارد بوشهر شدم و بعد از مدتی کوتاه، انقلاب شکوهمند اسلامی رخ داد و در آن زمان من در سایت هاگ مشغول شدم.

### مقابل حملات هوایی قد علم کردیم

سامانه موشکی هاگ جزو سامانه‌های پیشرفته و از خریدهای خوب نیروی هوایی بود و پدافند هوایی را متحول کرد. پدافند هوایی که در راستای سیستم های جنگ افزاری پیش می‌رفت وارد مرحله ای



جنگ شهرها و کوران حملات نیروی هوایی به اتکای جنگنده‌های پیشرفته‌ای مانند میگ ۲۵، نیروی هوایی نیز گام‌های بلندی را برای حفظ کشور برداشت. شهید ستاری بسیار زیاد به سایت‌ها سر می‌زد و اقدام‌هایی را انجام می‌داد تا بتوان با این هواپیماها مقابله کرد از جمله این که روی رادارها تغییراتی لحاظ کردند، روی سیستم موشکی موشک استاندارد قرار دادند و اقدامات مهمی در این زمینه از او به یادگار مانده است. با توجه به این که میگ ۲۵ در ارتفاع بسیار بالایی پرواز می‌کرد بسیاری از آنتن‌های رادار این امکان را که جنگنده را رهگیری کنند، نداشتند. این رادارها برای ارتفاع بالا ساخته نشده بود. ارتفاع آنتن‌ها با تغییر شیم‌ها افزایش یافت تا توانایی رهگیری جنگنده‌ها افزایش یابد. این موضوع یکی دیگر از طرح‌های خلاقانه‌ای بود که شهید ستاری بر آن نظارت داشت و پیگیریش بود.

می‌کند. با این حمله‌ها، عراق تصور می‌کرد دفاع هوایی ما از کار خواهد افتاد. در همان زمان به خاطر دارم شهید ستاری اقدامات مختلفی به عنوان مغز متفکر علمی انجام داد. زیرا به غیر از تاکتیک نظامی در فناوری هم استاد بود. بدین ترتیب کمک شد تا طرحی به نام «طرح زمان بندی» اجرا شود. این طرح نوآورانه از سوی شهید ستاری مطرح شد. از آن جا که تفاعل شدن موشک‌های ضد رادار، ۶۰ ثانیه فرصت وجود داشت، بنابراین شهید ستاری طرحی مطرح کرد که بر اساس آن، تمام اقدامات راداری هاگ از طرف مدت کم‌تر از ۶۰ ثانیه بر نامرزی کنند. رادار را در حالت غیرفعال یا به اصطلاح استندبای قرار می‌دادند یعنی امواج رادار را قطع می‌کردند. با همین نوآوری منحصر به فرد توانستیم بر یک فناوری فوق العاده پیشرفته که می‌توانست کل پدافند ما را تحت تأثیر قرار دهد غلبه کنیم.

شد چرا که سیستم‌های موشکی زمین به هوای خوبی را تحویل گرفت. این سامانه هاگ پکیج کاملی بود که پوشش بسیار خوبی را برای دفاع هوایی از بخش‌های مختلف کشور به همراه داشت. ورود این سامانه پدافند هوایی باعث شد که پدافند هوایی از حالت سنتی قبلی تغییر کند و به سمت یک سیستم الکترونیکی پیشرفته سوق یابد. این تحول و ادامه جدی آن با تلاش‌های نیروی هوایی پس از انقلاب علیرغم این که مستشاران آمریکایی، با وجود الزام به تعهد آموزش‌ها ناقص ماند، پس از انقلاب و در دوران دفاع مقدس موجب شد که دستاوردهای بسیار خوبی به ارمغان بیاورد